

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَّ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ

از ایران-مان دفاع می‌کنیم

ویژه‌دانش‌آموزان
دوره دوم متوسطه





وزارت آموزش و پرورش سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

نام کتاب:

از ابراهیمان دفاع می‌کنیم - ویژه دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه - ۱۱۰۳۴۵

پدیدآورنده:

سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

مدیریت برنامه‌ریزی درسی و تألیف:

دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری

شناسه افزوده برنامه‌ریزی و تألیف:

محمدحسین آشنا، سیده‌ماهره آقامیری، احمد احمدی، سارا ابراهیمی، زهرا ابوالحسنی، صالح اصغری، محمد اصغری، حامد اشتری، مهدی افراز، محمدمهدی اعتصامی، کوروش امیری‌نیا، مجتبی انصاری‌پور، شهرام ایرانی، فواد ایزدی، سیدمهدی باقریان، خدیجه بختیاری، عباس بیات، فاطمه بهروزفخر، اباصالح تقی‌زاده، مهدی جلالی، عباس حضرتی، ابوذر حسام‌پور، محمدحسین حیدری، فاطمه خطیب، عیسی احمدی خواجehوند، مصطفی خوش‌چشم، رضا خیرآبادی، معصومه خیرآبادی، سیدمحمد دلبری، محمدجواد رحمان‌پور، حبیب رحیم‌پور ازغدی، پریسا رضایی، رقیه رودسرای، محمدعلی روزبهانی، معصومه زرلکی، حسن زیار، محمدحسین سرانجام، حکیمه سقای‌بی‌ریا، رضا سلامت‌پناه، علی سلطانی، محمدصالح سلطانی، امیرحسین سلیمانی، سجاد سیاح، یاسین شکرانی، حسین شهسواری، زینب شوندی، عطیه‌سادات صالحیان، سیده‌سمیه طباطبایی، بیژن عبدالکریمی، زهرا عصار، محمود عطیعی‌پور، علی علیزاده، لطیف عیوضی، علی فتاحی، حامد فخری‌زاده، مهدی فخری‌زاده، مسعود فرجاد تهرانی، مائده فضلعلی‌زاده، سیدغلامرضا فلسفی، سیدمجتبی قافله‌باشی، محسن قنبریان، شایان کریمی، مازیار کوچکی، سیداحسان گلپر، علی لطیفی، محمدکفاش، حسین مهدی‌زاده، حمیدرضا مقدم‌فر، فخری ملکی، احسان مرصوصی، میثم مهدیار، مصطفی نوذری، محمدرضا مهدی‌پور، نجمه محمدی، الهام مقیسه، فهیمه میرصانع، نهال موسوی، محمد مهرابی، محمدرضا امینی، ملاحت نجفی، نفیسه نجفی‌قدسی، نسیم نوروزی، احسان وادی‌السلامی و آرش وکیلان (همکاران تألیف) - کوثر احسن مقدم و سمیرا اسکندرپور (ویراستار)

مدیریت آماده‌سازی هنری:

اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی

شناسه افزوده آماده‌سازی:

احمدرضا امینی (مدیر امور فنی و چاپ) - جواد صفری (مدیر هنری) - مجتبی زند (طراح گرافیک) - مهلا مرتضوی (صفحه‌آرا) - سعید شمس (طراح جلد) - حسین جریان‌پور، حسین براتی (تصویرسازی پشت‌جلد) - فاطمه رئیس‌یان فیروزآبادی (امور آماده‌سازی)

نشانی سازمان:

تهران: خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)

تلفن: ۹۶-۸۸۳۱۱۶۱ دورنگار: ۸۸۳۰۹۳۶۶ کد پستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹

وبگاه: www.chap.sch.ir و www.irtextbook.ir

ناشر:

شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران: تهران کیلومتر ۱۷ جاده مخصوص کرج - خیابان ۶۱ (داروپخش)

تلفن: ۴۴۹۸۵۱۶۱۰ دورنگار: ۴۴۹۸۵۱۶۰ صندوق پستی: ۳۷۵۱۵-۱۳۹

چاپخانه:

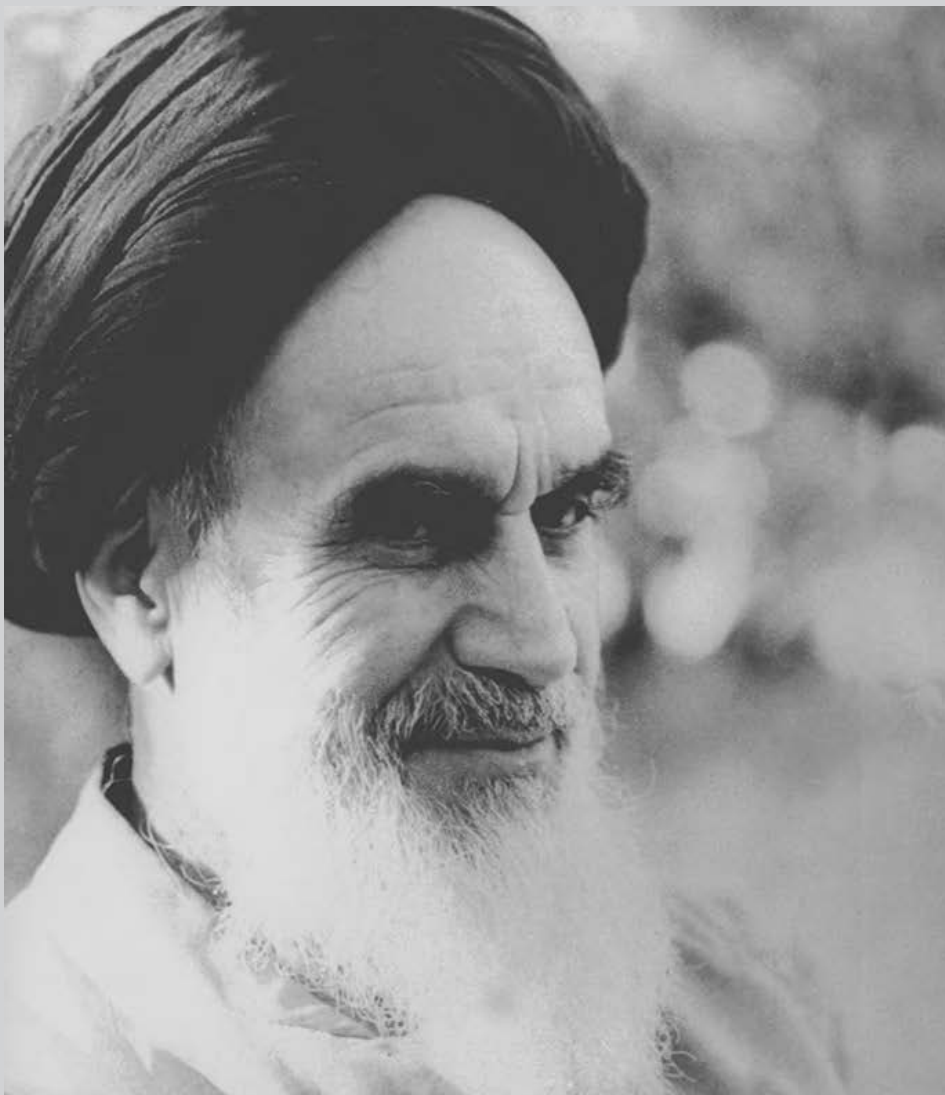
شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»

سال انتشار و نوبت چاپ:

چاپ اول ۱۴۰۴

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۰۵-۳۷۶۴-۰

ISBN: 978-964-05-3764-0



ما مظلومیت خویش و ستم متجاوزان را در جنگ ثابت نمودیم، ما در جنگ، پرده از چهره تزویر جهان‌خواران کنار زدیم، ما در جنگ، دوستان و دشمنانمان را شناختیم، ما در جنگ به این نتیجه رسیدیم که باید روی پای خودمان بایستیم، ما در جنگ ابهت دو ابرقدرت شرق و غرب را شکستیم، ما در جنگ ریشه‌های انقلاب پربار اسلامی‌مان را محکم کردیم، ما در جنگ حس برادری و وطن‌دوستی را در نهاد یکایک مردمان بارور کردیم.

(صحیفه امام خمینی، جلد ۲۱، صفحه ۲۸۳)

فهرست

۵ / سخنی با دبیران

۹ / سخنی با دانش آموز

۱۱ / درس اوّل / منطقه ما

۱۷ / درس دوم / آنها

۲۷ / درس سوم / آوردگاه ما و آنها

۳۳ / درس چهارم / ایرانِ ما

۴۱ / درس پنجم / مدرسه ما

۴۵ / درس ششم / هنرِ ما

۵۱ / درس هفتم / فناوری ما

۵۹ / درس هشتم / دفاعِ ما

پس از حمله رژیم صهیونی به کشورمان، اقشار مختلف مردم با حفظ اتحادی بی نظیر و همدلی برای رفع مسائل تلاش کردند و توانستند سهم بزرگی در پیروزی جمهوری اسلامی ایران در این جنگ داشته باشند. نیروهای مسلح با جان فشانی، اقتدار و نقش تعیین کننده خود پاسخی مناسب به رژیم کودک کش دادند. همه این تلاش های مردم و نیروهای مسلح تحت رهبری آیت الله خامنه ای به عنوان عامل وحدت بخش و مدیری جامع نگر توانست به پیروزی ایران در این جنگ منجر شود.

کتاب حاضر با عنوان «از ایرانمان دفاع می کنیم» در کنار بسته معاونت پرورشی و فرهنگی با نام «ایرانمون» به عنوان مجموعه ای از فعالیت های جامع مدرسه ای و نه فقط برای کلاس درس توصیه شده است. این کتاب با هدف فراهم آوردن فرصت های تربیتی مناسب برای دانش آموزان دوره دوم متوسطه تدوین شده است تا دبیران و مربیان پرورشی از طریق ایجاد موقعیت های یادگیری، گفت و گویی فعالانه و سازنده با دانش آموزان داشته باشند، نظرات آنها را بشنوند، احساساتشان را درک کنند و دانش آموزان را با عوامل مؤثر در فرایند جنگ ۱۲ روزه و ابعاد مختلف آن آشنا کنند. این کتاب شامل هشت درس ویژه دانش آموزان دوره دوم متوسطه و برای ۳۰ ساعت آموزشی ناظر به اهداف زیر سازماندهی شده است:

- **درس اول «منطقه ما»:** شناخت ویژگی های خاص، چالش ها و فرصت های منطقه غرب آسیا، چشم طمع بیگانگان به فرصت های این منطقه و معرفی رژیم صهیونی به عنوان بیگانه این خانه و خانواده.
- **درس دوم «آنها»:** شناخت رژیم صهیونی براساس ویژگی های بارز و شکل تولد آن، نسبت آمریکا و انگلیس با این رژیم.
- **درس سوم «آوردگاه ما و آنها»:** معرفی جنگ ترکیبی و عرصه های متنوع آن به عنوان آوردگاه مبارزه ما با اسرائیل، معرفی جنگ شناختی به عنوان هسته جنگ ترکیبی، کسب مهارت های بررسی خبر.
- **درس چهارم «ایران ما»:** نقش بی بدیل همدلی و اتحاد مردم، چگونگی مشارکت و کمک اقشار و مشاغل مختلف در جامعه ایرانی به ویژه در جنگ ۱۲ روزه و لزوم تداوم این همدلی و اتحاد.
- **درس پنجم «مدرسه ما»:** نقش تربیتی مدرسه در ایام جنگ، پدافند غیرعامل.
- **درس ششم «هنر ما»:** نقش هنر و رسانه در ایجاد، ترویج و تقویت روحیه جمعی، و اهمیت آن در رساندن اخبار، پیام ها و نگرش های درست به جامعه، نقش هنر در ایجاد هویت.
- **درس هفتم «فناوری ما»:** نقش فناوری هسته ای و موشکی در جنگ و داستان این دو فناوری از وابستگی تا خودکفایی و نوآوری.

- **درس هشتم «دفاع ما»:** آشنایی دانش آموزان با وجوه مختلف نصرت الهی در جنگ، ارائه ملاک‌های قضاوت پیرامون پیروزی در عرصه نبرد و بیان برخی ویژگی‌های چند جنگ اخیر منطقه.
- همان‌طور که در بالا گفته شد؛ محتوای این کتاب برای ۳۰ ساعت آموزشی در نظر گرفته شده و تحقق مناسب آن نیازمند همکاری و هماهنگی همه عوامل مدرسه از جمله مدیر محترم به‌عنوان مهمترین حامی و ضامن اجرای برنامه‌ها در مدرسه و معاونان گرامی به‌خصوص معاون پرورشی / مربی تربیتی با عنوان هماهنگ‌کننده، همراه و یاری‌رسان برای اجرا به‌صورت گروهی یا رویداد در مدرسه یا تدریس در کلاس است.
- این کتاب برای پایه‌های دهم، یازدهم و دوازدهم به‌صورت مشترک تدوین و تألیف شده است. هر مدرسه می‌تواند در زمان اجرای این کتاب متناسب با شرایط و اقتضائات مدرسه و کلاس درس به‌صورت منعطف عمل کند. با این حال روش‌های زیر برای زمان اجرای این ۸ درس پیشنهاد می‌شود.
- دبیر با همکاری معاون پرورشی یا مربی تربیتی مدرسه به‌صورت چند کلاس هم‌پایه یا غیر هم‌پایه با توجه به جمعیت مدرسه و کلاس، کتاب را تدریس نماید.
- دبیر در طول هفته به‌صورت کلاسی درس‌های این کتاب را در ساعت برخی موضوعات درسی از جمله تاریخ معاصر، جغرافیای ایران، آمادگی دفاعی و... طبق آنچه در جدول راهنمای ارتباط با موضوعات درسی دوره دوم متوسطه آمده است تلفیق کند و در اجرا از معاونت پرورشی یا مربی تربیتی مدرسه کمک بگیرد.
- این برنامه می‌تواند در قالب رویدادهای یک روزه داخل یا خارج مدرسه به‌صورت چند کلاس هم‌پایه یا غیر هم‌پایه با هم نیز اجرا شود.

ساختار درس‌ها

- دروس این کتاب، معمولاً حداقل با یکی از درس‌های عمومی دوره دوم متوسطه تناسب بیشتری دارد. از این‌رو، دبیران این درس یا هر دبیر علاقه‌مند و توانمند دیگری می‌تواند مطابق با شیوه‌نامه، به تدریس این درس بپردازد.
- بدنه اصلی درس:** متن درس است که با خلاقیت معلم می‌تواند به‌صورت ارائه، تدریس معکوس، اجرای نمایش و... تدریس شود.
- فعالیت‌های یادگیری:** موقعیت‌های یادگیری برای تثبیت و تعمیق مفاهیم، مهارت‌ها و ارزش‌های هر درس است که توصیه می‌شود با همفکری و همکاری و به‌صورت کارگروهی انجام شود.
- رمزینة‌ها:** شامل محتوای تکمیلی هستند که دبیر محترم می‌تواند به‌عنوان ایجاد انگیزه در ابتدای تدریس یا مکمل یادگیری از آنها استفاده نماید.

ارتباط دروس کتاب «از ایرانمان دفاع می‌کنیم» با دروس عمومی دوره دوم متوسطه

عنوان درس کتاب «از ایرانمان دفاع می‌کنیم»	پایه	عنوان دروس عمومی متناسب
منطقه ما	دهم	جغرافیای ایران
	یازدهم	تاریخ معاصر
	دوازدهم	هویت اجتماعی
آنها	دهم	آمادگی دفاعی - جغرافیای ایران
	یازدهم	تاریخ معاصر
	دوازدهم	هویت اجتماعی
آوردگاه ما و آنها	دهم	آمادگی دفاعی
	یازدهم	تفکر و سواد رسانه‌ای
	دوازدهم	هویت اجتماعی - آمادگی دفاعی
ایران ما	دهم	جغرافیای ایران - فارسی ۱
	یازدهم	تاریخ معاصر - فارسی ۲
	دوازدهم	هویت اجتماعی - فارسی ۳
مدرسه ما	دهم	آمادگی دفاعی
	یازدهم	دین و زندگی - تاریخ معاصر
	دوازدهم	آمادگی دفاعی - هویت اجتماعی - سلامت و بهداشت
هنر ما	دهم	هنر - فارسی ۱
	یازدهم	هنر - فارسی ۲
	دوازدهم	هویت اجتماعی
فناوری ما	دهم	آمادگی دفاعی
	یازدهم	تاریخ معاصر
	دوازدهم	هویت اجتماعی - آمادگی دفاعی
دفاع ما	دهم	دین و زندگی - آمادگی دفاعی
	یازدهم	دین و زندگی - تاریخ معاصر
	دوازدهم	دین و زندگی - آمادگی دفاعی
	دوازدهم	دین و زندگی - آمادگی دفاعی

توصیه می‌شود برای تدریس این کتاب از ظرفیت‌های بومی استان، شهر یا روستای خود از جمله اردوگاه‌ها، مساجد، کتابخانه‌ها، فرهنگ‌سراها، موزه‌ها، باغ‌موزه‌های دفاع مقدس، گلزار شهدا، ساختمان‌های آسیب‌دیده در جنگ و... استفاده شود.

همچنین پیشنهاد می‌شود از اقشار مختلف مردم که در طول ۱۲ روز جنگ با رژیم صهیونی نقش فعالانه ایفا کردند از جمله والدین دانش‌آموزان و به‌ویژه نیروهای مسلح در کلاس و مدرسه دعوت به عمل آید.

توضیحات بیشتر درباره چگونگی اجرا، در ضمن شیوه‌نامه‌ای که به همین منظور ابلاغ خواهد شد، ارائه می‌گردد. دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری از اساتید، صاحب نظران، مسئولین، دبیران، کارشناسان، نویسندگان، شاعران، تصویرگران، گروه‌های هنری و... که در طراحی و تدوین این کتاب همکاری داشته‌اند صمیمانه تشکر می‌کند.

همکاران گرامی می‌توانند انتقادات و پیشنهادهای خود را در خصوص این کتاب از طریق سامانه nazar.roshd.ir ارسال نمایند.

دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری

دانش آموزان عزیز، سلام!

بامداد جمعه ۲۳ خرداد امسال، هنوز آفتاب نرزه بود که حمله ناگهانی رژیم اسرائیل به کشور عزیزمان، روال عادی زندگی خیلی از ما را به هم زد. این اتفاق، یک اتفاق مهم در تاریخ ایران بود که در زمان زندگی ما رخ داد. درست است که همه شهرها و مناطق کشور، یک جور درگیر این جنگ نبودند، ولی بالاخره همه ما در دل زمانه‌ای که این جنگ در آن اتفاق افتاد، بودیم و هر کداممان به نوعی، درک و دریافت و تجربه و احساسی از آن داریم. حتماً شما هم از آن روز تاکنون، درباره این جنگ و حوادث آن، با دوستان و آشنایان خود گفت‌وگو کرده‌اید. این جنگ و حوادث مرتبط با آن، فرصتی را برای همه ما فراهم کرده تا یک بار دیگر، درباره خیلی چیزها که به خودمان و به وطنمان مربوط می‌شود، بخوانیم، بررسی کنیم، ببینیم، بشنویم و گفت‌وگو کنیم و مهم‌تر از همه اینها، فکر کنیم. این کتاب و درس‌هایش، می‌خواهند به شما کمک کنند تا فرصت خواندن، دیدن و شنیدن، گفت‌وگو کردن و فکر کردن درباره این حادثه مهم تاریخ ایران و مسائل مرتبط با آن را برای شما فراهم کنند. هر یک از درس‌ها و فعالیت‌های این کتاب، می‌تواند موضوع یک یا چند جلسه از درس تاریخ، جغرافیا، دینی، فارسی یا هر درس دیگری از کلاس، یا برگزاری یک رویداد یا برنامه ویژه در مدرسه‌تان باشد؛ یا حتی موضوع و بهانه‌ای برای یک گفت‌وگوی دوستانه یا خانوادگی. حتی می‌توانید خودتان متن‌ها را بخوانید، تصاویر و فیلم‌ها را ببینید و درباره آنها تأمل کنید. شما خودتان این واقعه تاریخی مهم را درک کردید و بخشی از آن بودید. برای همین، نظر شما درباره آن و روایت شما از آن، شنیدنی و مهم است. به همین خاطر، درس‌ها و فعالیت‌های این کتاب طوری طراحی شده‌اند که شما هم بتوانید روایت خود را ارائه کنید. ما هم به واسطه این رمزینه، مشتاق شنیدن نظرات و روایت‌های شما و دیدن کارهای خوبتان هستیم.



پویش‌ها و ارتباط با ما



به سربلندی سرچشم و استوار گوه



جمعه | ۲۳ خرداد ۱۴۰۴ | روز اول

نخستین ساعت‌های بامداد ۲۳ خرداد بود که صهیونیست‌ها حمله را آغاز کردند. تعدادی از شهرک‌های مسکونی مردم و منازل برخی فرماندهان ارشد نظامی و دانشمندان برجسته هسته‌ای، پایگاه‌ها و مراکز نظامی و تأسیسات مرتبط با فناوری هسته‌ای در مناطق مختلف کشور همچون تهران، نطنز، اصفهان، تبریز، همدان، خرم‌آباد و اراک و... هدف قرار گرفتند که منجر به شهادت تعداد زیادی از مردم شد. خراب‌کاری و هدف قرار دادن برخی سایت‌های پدافندی با استفاده از عوامل مزدور داخلی و همچنین، ایجاد اختلال در سامانه‌های پدافندی، اتفاق مهم دیگر در اولین روز حمله بود. این وضعیت، نوعی احساس غافلگیر شدن و نگرانی را در مردم و مسئولان پدید آورد. بلافاصله و در همان روز، رهبر انقلاب فرماندهان جدیدی را جایگزین فرماندهان شهید کردند.

از همان ساعت‌های نخست، نه تنها آسمان ایران و کشورهای میان ایران و اسرائیل به روی همه هواپیماهای مسافری بسته شدند، بلکه کل منطقه در شوک فرو رفت؛ منطقه‌ای که سال‌هاست روی آرامش به خودش ندیده است...

با جست و جو و تأمل شروع کنیم...

به نقشه منطقه نگاه کنید. نام کدام شهرها برایتان آشناست؟ هر کدام از این شهرها شما را به یاد چه چیزی می‌اندازد؟ چه شخصیت‌های برجسته علمی، فرهنگی، هنری، ادبی، سیاسی - اجتماعی و ورزشی یا میراث فرهنگی برجسته‌ای را می‌شناسید که متعلق به این کشورها و شهرها هستند؟



خانه ما

در نقشه جهان، دست خود را روی ایران بگذارید و به اطراف نگاه کنید: پنج دریای مهم اطراف را پیدا کنید.

شمال: دریای خزر | شمال غرب: دریای سیاه | غرب: دریای مدیترانه

جنوب غرب: دریای سرخ | جنوب: دریای عمان و خلیج فارس

اگر خطی از شرقی‌ترین نقطه آسیا (ژاپن) به غربی‌ترین نقطه اروپا (پرتغال) و خطی دیگر از شمالی‌ترین نقطه روسیه به جنوبی‌ترین نقطه آفریقا بکشید، این دو خط همدیگر را در حوالی ایران و کشورهای همسایه اش و در میانه این پنج دریا قطع می‌کنند. تصور کنید ۲۰۰۰ سال پیش زندگی می‌کردید. آن موقع نه هواپیما بود، نه قطار، نه حتی ماشین! کشتی‌ها هم فقط می‌توانستند نزدیک ساحل حرکت کنند. مردم چگونه از چین به اروپا می‌رفتند؟ این مسیر دقیقاً از وسط ایران و کشورهای و دریاها و آبراه‌های این منطقه می‌گذشت. بیش از ۸۰٪ تجارت جهان از این منطقه عبور می‌کرد. ابریشم چین، ادویه هند و طلای آفریقا از اینجا رد می‌شدند. وقتی همه تجارت از شهری عبور کنند آن شهر ثروتمند می‌شود. وقتی همه دانشمندان در جایی ملاقات کنند، آنجا مرکز علم می‌شود.

منطقه‌ای که ما در آن زندگی می‌کنیم، دقیقاً در قلب خشکی‌های به هم پیوسته جهان قرار دارد. به خاطر همین موقعیت ویژه، از هزاران سال پیش تاکنون، مهم‌ترین مسیرهای زمینی و دریایی دنیا از این منطقه عبور کرده‌اند. پس هر قدرتی که بتواند آب‌ها و خاک‌های این منطقه را در دست بگیرد، کنترل تجارت جهانی را در دست گرفته است. بنابراین همه کشورهای این منطقه نقش‌های در تجارت جهانی ایفا کنند، به این منطقه وابسته هستند. امروزه هم این منطقه را مرکز انرژی جهان می‌دانند، چون حداقل یک چهارم انرژی کل جهان در آنجاست. خاورمیانه (یا به عبارت بهتر، غرب آسیا) مهد نفت بوده و تاریخ معاصر بدون قصه نفت روایت نمی‌شود. از نظر جمعیت نیز این منطقه جوان‌ترین منطقه جهان است، یعنی نیروی انسانی جوان و پرانرژی زیادی در آن زندگی می‌کنند. غرب آسیا با این ویژگی‌هایش، سکوی پرش جهانی کشورهای عضو و مردمانش است. جالب این است که کشور عزیز ما نیز در این منطقه، ویژگی‌های خاص خودش را دارد، مثلاً یکی از بزرگ‌ترین کشورهای این منطقه است و از راه خشکی و دریا، با ۱۵ کشور دیگر همسایه است. آیا این جغرافیای منحصر به فرد و ارزشمند را قدر دانسته‌ایم؟ و چه اقدام‌هایی برای بهره‌بردن از این نعمت‌های خدادادی باید انجام دهیم؟



قدیمی‌ترین زیستگاه‌های بشری در منطقه ما بوده‌اند. این منطقه، گهواره تمدن بشری است. کشاورزی و شهرنشینی از این نقطه جهان آغاز شده است. خدا در این سرزمین، به‌طور مستقیم با بشر سخن گفته است و ادیان توحیدی، از دین زرتشت گرفته تا اسلام، در این نقطه از جهان به فرهنگ بشری راه یافته‌اند. خانه خدا، بیت المقدس و بسیاری از اماکن متبرکه در این سرزمین قرار دارند. بیشتر پیامبران خدا در این نقطه از جهان مدفون‌اند. از این رو، سرزمین میانه، نقطه مقدس جهان به حساب می‌آید. ادیان ابراهیمی این سرزمین را آخرالزمانی و مکان ظهور می‌دانند. کشورهای عضو و مردم ساکن این سرزمین، در فرهنگی شریک هستند که شباهت‌ها و تفاوت‌های بسیار زیبایی خلق کرده است. آنها اگر فرصت همفکری، همدلی و همکاری پیدا کنند، جهان دیگری خواهند ساخت. خوراک، پوشاک، خانواده، سبک زندگی، مسافرت، عبادت، زبان و روش‌های انتقال معنا در این سرزمین، شباهت‌های زیادی با هم داشته و از سایر نقاط دنیا متمایز هستند.

با این حساب، می‌توانیم بگوییم نه تنها این منطقه خانه ماست، بلکه مردم این منطقه هم خانواده ما هستند. اشتراکات فرهنگی مردم این منطقه آن‌چنان ساکنانش را به هم پیوند داده که در طول سالیان طولانی، زندگی آرام و مسالمت‌آمیزی را در کنار یکدیگر داشته و دارند. بله، ما مردم سرزمین میانه، یک خانواده بزرگ تاریخی هستیم و خود را در غم و شادی و رنج و لذت همدیگر شریک می‌دانیم.



کلیسای قیامت در جوار مسجد قبة الصخره در شهر بیت المقدس

آیا تمرکز این همه سرمایه مادی و معنوی در چنین سرزمینی، بدون مخاطره و تهدید است؟ در طول تاریخ، قدرت‌های جهانی همواره با شیوه‌های مختلف، از لشکرکشی گرفته تا نفوذ و استفاده از دست نشاندگان خود، تلاش کرده‌اند از قدرت جغرافیایی این منطقه و کشورهای بزرگ آن بکاهند. بیابید از حمله اسکندر به ایران در دوره هخامنشیان، مخاطرات و تهدیدهای رومیان در زمان ساسانیان و اشکانیان، حملات ترکان سلجوقی و مغولان و مخاطرات عصر صفوی به سرعت بگذریم و به عهد قاجاریه برسیم. زمانی که استعمارگران، سیاست تجزیه و کوچک کردن کشورهای منطقه‌مان را در پیش گرفتند، ابتدا روسیه تزاری، آذربایجان، ارمنستان و گرجستان امروزی را در عهدنامه‌های گلستان و ترکمانچای از خاک کشور ما جدا کردند و در پیمان آخال، ترکمنستان، قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان و تاجیکستان را از ما گرفتند، بریتانیایی‌ها نیز طی معاهده پاریس، هرات و در قرارداد گلداسمیت، بخش‌هایی از بلوچستان را از سرزمین‌مان جدا کردند. حدود صد سال بعد، یکی دیگر از کشورهای بزرگ منطقه، یعنی امپراتوری عثمانی نیز طعم تلخ تجزیه را چشید: کشورهای اردن، سوریه، لبنان، فلسطین، عراق و عربستان تا صد سال پیش، بخشی از امپراتوری عثمانی بودند، اما بریتانیا و فرانسه، پنهانی با یکدیگر توافق کردند که پس از پایان جنگ جهانی اول، عثمانی به کشورهای کنونی تجزیه شود، زیرا نمی‌خواستند و نمی‌توانستند حضور یک کشور بزرگ و قدرتمند را در راهبردی‌ترین منطقه جهان تحمل کند.

این روند همچنان ادامه دارد و صاحبان قدرت، با یکدیگر به دنبال تغییر نقشه سیاسی منطقه ما بر اساس اهداف و منافع خود هستند. به عنوان نمونه، در سال ۲۰۰۶ (۱۳۸۵) نیز دولت وقت آمریکا طرحی به نام «خاورمیانه جدید» برای غرب آسیا ارائه کرد. در این طرح، پیش‌بینی شده بود که تمام کشورهای منطقه تجزیه شوند. منافع قدرت‌های فرامنطقه‌ای در این است که با کشورهای کوچک، ضعیف و وابسته که همواره در گیر نزاع با یکدیگر هستند، طرف باشند!

نمایندگان انگلستان، روسیه، اتریش، مجارستان و فرانسه که مشغول تکه‌تکه کردن نقشه عثمانی هستند و نماینده عثمانی، بی‌قدرت و ناتوان به تماشا نشسته است.

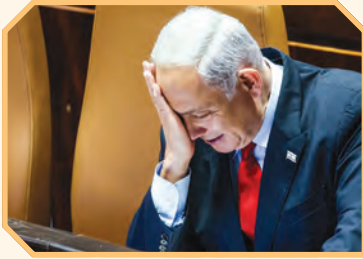


جغرافیای سیاسی منطقه ما، یک پدیده غیرمعمول و پرمخاطره هم دارد که نمونه آن در هیچ جای جهان وجود ندارد. تنها موجودیت سیاسی جهان که هیچ توافق قطعی منطقه‌ای و جهانی درباره مرزهایش وجود ندارد، سرزمین تحت حکومتش را به زور اشغال کرده و بدتر از همه اینکه مردمانش را هم از سرزمین‌های مختلف جهان جمع کرده است! تنها بیگانه خانواده ما، همین غده سرطانی است که در گوشه منطقه ما جا خوش کرده است. در درس بعد، با این تنها بیگانه منطقه، بیشتر آشنا می‌شویم.

دست به کار شوید!

- نقشه‌هایی از جغرافیا و موقعیت منحصر به فرد منطقه غرب آسیا با تکیه بر گذرگاه‌ها و منابع انرژی ترسیم کنید و برای ارائه آنها، نمایشگاهی در مدرسه یا منطقه خود برپا کنید.
- نقشه یکی از رویدادها یا حوادث چند سال اخیر منطقه را تهیه کرده و ضمن مشخص کردن نقاط، مسیرها و اتفاقات مهم و کلیدی، آن رویداد یا حادثه را در کلاس درس یا مدرسه تشریح کنید.
- یک شعر، سرود، مداحی یا موسیقی (به زبان‌های مختلف مردم منطقه) با مضمون مقاومت و اشتراکات فرهنگی مردم منطقه تهیه کرده، آن را در کلاس درس یا نمایشگاه مدرسه پخش کنید.
- با مراجعه به اینترنت، نقشه‌هایی در موضوعاتی همچون وضعیت انرژی، ذخایر نفت و گاز، مسیرهای ترانزیتی هوایی، زمینی، دریایی و ... بیابید که نشان دهنده اهمیت منطقه غرب آسیا هستند.





شنبه | ۲۴ خرداد ۱۴۰۴ | روز دوم

یکشنبه | ۲۵ خرداد ۱۴۰۴ | روز سوم

شنبه، نتانیاهو در سخنانی خطاب به ملت ایران، آشکارا هدفش را ایجاد زلزله در انسجام داخلی ایران عنوان کرد و گفت: «ما اوضاع را به هم ریخته‌ایم، اکنون نوبت شماست که صدای خود را به گوش جهان برسانید!» او یکشنبه نیز اعلام کرد: «تغییر رژیم در ایران، قطعاً می‌تواند نتیجه عملیات نظامی باشد». در این روز، هرچند شلیک‌های ایران جدی‌تر شده بود، ولی از نظر برتری نظامی، هنوز شرایط به نفع ما نبود. سخنان نتانیاهو در این دو روز پیام واضحی داشتند: مسئله اصلی، نه هسته‌ای است و نه حتی موشکی، بلکه تغییر حکومت است.

اسرائیل از یک زاویه متفاوت

ما ایرانی‌ها بعد از خرداد و تیر ۱۴۰۴، از رژیم اسرائیل یک تجربه زیسته و درک متفاوت داریم که تا حالا نداشته‌ایم. آنها در این سال، به ایران ما حمله کرده و به‌طور مستقیم ما را تهدید کردند. به نظر می‌رسد حالا که تجربه متفاوتی درباره این رژیم پیدا کرده‌ایم، وقت خوبی است که با آن، از زاویه متفاوتی آشنا بشویم. اسرائیل چطور موجودیتی است و واقعاً مسئله‌اش با ایران چیست؟





رمزینه مستند
«سرزمین مادری»

مستند «سرزمین مادری»، روایتی کوتاه از شکل‌گیری رژیم اسرائیل است و مهم‌ترین اتفاقات پس از آن را ارائه می‌کند. این مستند را ببینید و یک خط زمان از مهم‌ترین وقایع و حوادث روایت شده در آن، تهیه کنید.

آنها از کجا آمدند؟

معمولاً انتظار داریم در جریان تشکیل حکومت جدید، حضور پرشور مردم را ببینیم و شاهد آن باشیم که نمایندگان مردم با نوشتن قانون اساسی، تکلیف مرزها، جایگاه و حقوق ملت و تقسیمات کشوری را مشخص کنند. در نتیجه، خشونت پایان یافته و آرامش در جامعه برقرار شود. اما در صفحات مربوط به تشکیل رژیم اسرائیل، همه چیز درست برعکس است. اینها تنها نمونه‌های مشهوری از اتفاقات آن روزهاست: **دیر یاسین:** روستایی کوچک در نزدیکی بیت‌المقدس است که در ۹ آوریل ۱۹۴۸ (۲۰ فروردین ۱۳۲۷) و ۳۶ روز قبل از اعلام تشکیل رژیم اسرائیل با حمله گروه‌های مسلح صهیونیستی به خون کشیده شد و طبق برآوردها، تا ۳۶۰ نفر از ساکنان دهکده در این حمله جان باختند. اخبار این حمله هولناک، ترس عمومی را در میان مردم فلسطین افزایش داد و به موج فرار جمعی آنها انجامید.

طنطوره: تنها یک هفته پس از روز اعلام تشکیل رژیم، در ۲۲ مه ۱۹۴۸ (۱ خرداد ۱۳۲۷)، دهه‌ها نفر از مردم این روستای ساحلی تیرباران و در گورهای دسته‌جمعی دفن شدند. این رویدادها نشان می‌دهند که رژیم اسرائیل تولدی عجیب و خشن و خونین داشته است.

برای درک ریشه‌های این موجود بیگانه و غیرمعمول، باید به اروپای قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم برگردیم. در اروپای این سال‌ها، انقلاب صنعتی و تولید سلاح‌های پیشرفته زمینه گسترش استعمار و افزایش رقابت میان قدرت‌های استعماری



اروپایی را فراهم کرده بود و نقشه جهان پر از مناطقی بود که تحت عنوان مستعمره شناخته می‌شدند. قدرت‌های اروپایی معمولاً با ارتش‌هایشان وارد سرزمین‌های دوردست می‌شدند و پس از شکست مقاومت بومیان، کنترل آن منطقه را به دست می‌گرفتند. اما کار آنها فقط به جنگ و ارتش خلاصه نمی‌شد. آنها گروهی از مردم خودشان را به آن سرزمین‌ها می‌فرستادند تا همان‌جا ساکن شوند. کم‌کم تعداد این مهاجران زیاد می‌شد و با تغییر ترکیب جمعیتی، بومیان در حاشیه قرار می‌گرفتند، آن وقت تازه واردهای استعمارگر هم زمین‌ها، بازارها و منابع را به تصرف خود درمی‌آوردند. انگلستان نیز با توجه به موقعیت راهبردی غرب آسیا، نقشه‌های زیادی برای افزایش نفوذ در آنجا داشت. یکی از این نقشه‌ها، تشکیل مستعمره‌ای در دل این منطقه بود و فلسطین با توجه به موقعیت ویژه‌اش برای این منظور انتخاب شد. از سوی دیگر، در همین دوره، جنبش‌های سیاسی نژادپرستانه^۱ زیادی در بین مردم کشورهای مختلف اروپایی شکل گرفت که جنبش صهیونیسم^۲ یکی از آنها بود. صهیونیست‌ها گروهی از یهودیان^۳ بودند که از اواخر قرن نوزدهم، ایده اشغال سرزمین فلسطین و تأسیس حکومتی یهودی به شیوه استعماری را دنبال می‌کردند. به این ترتیب، منافع استعماری انگلستان و اهداف صهیونیست‌ها در یک راستا قرار گرفت و زمینه همکاری میان آنها فراهم شد.



تصویر مهاجرت یهودیان در سال ۱۹۴۷ م/ ۱۳۲۵ ش) در بندر حیفا واقع در شمال فلسطین که با پارچه‌نوشتی بر روی عرشه کشتی نوشته اند: «آلمان‌ها خانه و آشیانه ما را نابود کردند، لطفاً شما امید ما را نابود نکنید»

۱- صهیونیست‌ها نام جنبش خود را از کوهی به نام صهیون که در فلسطین واقع است، گرفته‌اند.

۲- در دنیا یهودیان بسیاری وجود دارند که از صهیونیسم بیزارند و معتقدند صهیونیست‌ها اعتقادات دینی آنها را بهانه‌ای برای اشغال فلسطین قرار داده‌اند.

همان گونه که در درس قبل گفته شد، پس از پایان جنگ جهانی اول امپراتوری عثمانی با توافق پنهانی انگلستان و فرانسه تجزیه شد و در سال ۱۹۲۰، انگلستان موفق شد اداره امور فلسطین را به چنگ آورد. دولت انگلستان در این دوره، سیاست‌هایی مشابه استعمارگران برده‌دار را در آن جا اجرا و با انجام اقدامات زیر، عملاً زیرساخت‌های لازم برای تشکیل رژیم صهیونیستی را فراهم کرد:



صهیونیست‌ها چگونه و چه مقدار از زمین‌های فلسطین را تصرف کردند؟

تشویق و تسهیل مهاجرت یهودیان از مناطق مختلف دنیا به فلسطین با به کارگیری وسیع دستگاه تبلیغاتی و فراهم کردن پول و امکانات مورد نیاز تسهیل تصرف زمین‌های منطقه به دست مهاجران یهودی

حمایت از تأسیس سازمان‌های اجتماعی، اقتصادی و امنیتی یهودی (در حالی که تشکیل سازمان‌های مدنی فلسطینی ممنوع بود)

آموزش و تجهیز نظامی مهاجران صهیونیست، در حالی که فلسطینی‌ها از حمل سلاح منع شده بودند و نهادهای اطلاعاتی بریتانیا به طور مستمر، هسته‌های مقاومت مردمی را شناسایی و سرکوب می کردند.



یکی از گروه‌های تروریستی صهیونیستی که با سلاح‌های انگلیسی تجهیز شده بودند

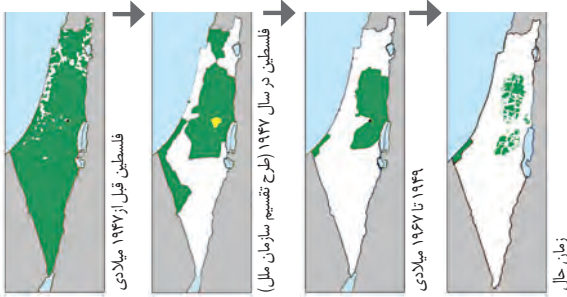


تظاهرات و اعتصاب فلسطینی‌ها در قدس در اعتراض به مهاجرت یهودیان

این سیاست‌ها به تدریج، ضمن افزایش مهاجرت یهودیان به فلسطین، موجب شدت گرفتن تنش میان مردم بومی و مهاجران تازه وارد شد.



آنهاى عجيب اما بى سابقه



پس از جنگ جهانی دوم (۱۹۴۵-۱۹۳۹ م؛ ۱۳۱۸ تا ۱۳۲۴ ش)، انگلستان اعلام کرد که قصد دارد به حضور خود در فلسطين پايان بدهد و حل مناقشه ميان فلسطينيها و صهيونيستها را به سازمان ملل متحد واگذار کند. صهيونيستها با کمک حاميان

غربي شان (که البته آمريکا مهم ترين آنها بود) و با وجود مخالفت شديد فلسطينيان و کشورهاي منطقه، در ۲۹ نوامبر ۱۹۴۷ (۷ آذر ۱۳۲۷) قطعنامه‌اي را در مجمع عمومي سازمان ملل به تصويب رساندند که مبنای آن، تقسيم سرزمين فلسطين به دو کشور يهودی و عربي بود.

طبق اين قطعنامه، در حالي که صهيونيستها کمتر از شش درصد زمين هاي فلسطين را در تصرف داشتند، ۵۶/۶ درصد از خاک فلسطين به آنها واگذار و تنها ۴۳ درصد برای فلسطينيان در نظر گرفته شد.

بدین ترتيب، با وجود اينکه قطعنامه‌های مجمع عمومي سازمان ملل متحد، الزام آور نيستند و «قطعنامه تقسيم فلسطين» نیز از همين دسته بوده و تنها پيشنهادی برای حل اختلاف ميان دو طرف محسوب می‌شد، اما صهيونيستها از آن استقبال کردند و آن را مبنای مشروعيت ادعای حاکميت خود قرار دادند.

پس از تصويب اين قطعنامه، آنها برای ترساندن مردم، حملات گسترده‌ای را عليه فلسطينيان و اعراب کشورهاي همسايه که به حمايت از فلسطينيها برخاسته بودند، آغاز کردند که ماجرای ديرياسين و طنطوره، نمونه‌هایی از اين حملات بودند. در جريان اين حملات، هزاران فلسطينی کشته، صدها روستا و شهرک ويران، و حدود نيمي از جمعيت بومی آواره شدند. سرانجام در سال ۱۹۴۸ ميلادی (۱۳۲۷ شمسی)، مهاجران يهودی با برگزاری مراسمی رسمي، تأسيس کشور اسرائيل را در سرزمين فلسطين اعلام کردند؛ روزی که در حافظه تاريخی منطقه به عنوان روز نکبت شناخته می‌شود. به اين ترتيب، نهال یک مستعمره مهاجرپذير در دل جغرافياي منطقه غرب آسيا کاشته شد.



درباره روز نکبت بیشتر ببینید

نکتهٔ عجیب و جالب توجه آنکه هر کشوری در سازمان ملل، پرونده‌ای دارد که مرزهای جغرافیایی آن را در عرصهٔ بین‌المللی تعیین می‌کند. ولی رژیم صهیونیستی از این قاعده مستثنی شد و عضویت آن را بدون اینکه مرز مشخصی داشته باشد، پذیرفتند. عجیب‌تر آنکه اسرائیل، هنوز هم به صورت رسمی، مرزهای ثابت و مشخصی ندارد؛ از یک سو به دلیل تجاوزهای اسرائیل به همسایگانش و مناقشه‌های مرزی با آنها، همهٔ مناطق فعلی تحت تسلط این رژیم در سطح بین‌المللی و منطقه‌ای به رسمیت شناخته نشده است؛ و از سوی دیگر، در داخل این رژیم نیز قانونی نیست که مرزها را به صورت قطعی و یک‌بار برای همیشه مشخص کرده باشد!

نظر شما مهم است!

۱- به نظر شما این واقعیت که رژیم اسرائیل برخلاف دیگر کشورها، مرزهای مشخصی ندارد، چه چیزی را دربارهٔ ماهیت این رژیم نشان می‌دهد؟

۲- اینفوگرافیک یعنی «اطلاعات + تصویر»، یعنی به جای این که یک متن طولانی بنویسیم، اطلاعات را به شکل نقشه، شکل، علامت و نوشته‌های خیلی کوتاه نشان می‌دهیم. اکنون با این تعریف می‌خواهیم یک اینفوگرافیک ساده تهیه کنیم. با سه تصویر ساده به دوستانتان نشان بدهید که چرا اسرائیل یک «رژیم غیرطبیعی و پرخطر» است؟

■ یک کاغذ بردارید/ یک فایل ایجاد کنید.

■ بالای آن بنویسید: «اسرائیل غیرطبیعی و پرخطر است چون...».

■ سه تصویر ساده اضافه کنید. مثال:

■ مرز ندارد.

■ ملت بومی ندارد.

■ با خشونت و اشغال به دنیا آمد.

رژیم اسرائیل در طول دورهٔ موجودیت خود نشان داده است که نه قانون‌های بین‌المللی برایش اهمیتی دارند و نه حق و حقوق دیگران. آنها حتی به همان قطعنامهٔ تقسیم سازمان ملل پایبند نماندند و به تدریج، تقریباً تمامی سرزمین فلسطین را تحت اشغال نظامی یا محاصره قرار دادند. این یعنی مردم فلسطین که مردم بومی آن سرزمین بودند، از ابتدایی‌ترین حقوق انسانی خود، از جمله مالکیت زمین‌های شخصی‌شان، آزادی رفت‌وآمد و حق تشکیل دولت مستقل محروم شدند. شهرک‌سازی‌های غیرقانونی، ایست‌های بازرسی گسترده و اعمال مکرر خشونت از سوی ارتش اسرائیل، زندگی روزمرهٔ فلسطینیان را با اختلال جدی مواجه کرد. این شرایط به گونه‌ای بود که مجمع عمومی سازمان ملل، در قطعنامه ۳۳۷۹ در سال ۱۳۵۴، صهیونیسم و دولت اسرائیل را مصداق نژادپرستی و تبعیض نژادی اعلام کرد و هنوز هم این بی‌قانونی و تبعیض و تجاوز ادامه دارد.



دیوار حائل اسرائیل (که فلسطینی‌ها آن را «دیوار آپارتاید» می‌نامند) از اوایل دهه ۲۰۰۰ ساخته شد و کرانهٔ باختری را با حصارها و دیوارهای بتنی از دیگر مناطق فلسطین اشغالی جدا می‌کند. هدف رسمی آن «امنیت» اعلام شده، اما عملاً موجب مصادرهٔ زمین‌های فلسطینی، جداسازی روستاها و محدودیت شدید رفت‌وآمد شده است.

به نمونه‌هایی از نظرات نهادهای رسمی بین‌المللی در این زمینه توجه کنید:

- در ۱۹ ژوئیه ۲۰۲۴، دیوان بین‌المللی دادگستری اعلام کرد سیاست‌ها و اقدامات اسرائیل در سرزمین‌های اشغالی منجر به تبعیض نژادی سیستماتیک شده و این اقدامات با مفاد کنوانسیون بین‌المللی رفع تبعیض نژادی مغایرت دارد.
- فرانچسکا آلبانیزه، گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور حقوق بشر فلسطین، در گزارشی که در تابستان سال ۲۰۲۵ (۱۴۰۴) منتشر کرد، تأکید کرده است که حملات گسترده به غیرنظامیان، تخریب بیمارستان‌ها و مدارس، محاصره کامل غذا و دارو و هدف قرار دادن عمدی جمعیت غیرنظامی، همه شواهدی هستند که نشان می‌دهد سیاست اسرائیل علیه مردم غزه طبق معیارهای بین‌المللی مصداق «نسل‌کشی» است. گزارش آلبانیزه با ارائه مستندات نشان می‌دهد که آنچه امروز در غزه جریان دارد، دیگر یک «مجازات جمعی» یا «اشغال سخت‌گیرانه» نیست، بلکه برنامه‌ای سیستماتیک برای نابودی یک ملت است.



نقاشی دیواری «دست از فرانچسکا آلبانیزه بردارید» در شهر رم که در آن گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور حقوق بشر فلسطین با جایزه صلح نوبل به تصویر کشیده شده است. این وکیل ایتالیایی پس از ارائه گزارش علیه جنایات رژیم صهیونیستی، توسط آمریکا تحریم شد.

وقتی از نسبت میان اسرائیل و قانون صحبت می‌کنیم، با یک مورد عجیب دیگر هم مواجه هستیم: قانون اساسی و اسرائیل. می‌دانیم که قانون اساسی در هر کشور، مثل «نقشه کلی» یا «قرارداد بزرگ» برای اداره جامعه است که معمولاً به اصول، هویت و ساختار کشور و نیز حقوق و آزادی‌های مردم می‌پردازد. بخش عجیب داستان بیگانه منطقه ما آن است که رژیم اسرائیل از آغاز تشکیل خود، تا امروز قانون اساسی رسمی ندارد! البته کِنِست (مجلس) رژیم صهیونیستی در سال ۲۰۱۸ (۱۳۹۷)، قانونی جنجالی به اسم «اسرائیل به عنوان دولت - ملت قوم یهود» تصویب کرد که تا حدی شبیه قانون اساسی است. بر اساس این قانون، این رژیم تنها موجودیت در جهان است که سرزمینش برای یک قوم و نژاد خاص (یعنی قوم یهود) در نظر گرفته شده و حتی در آن تصریح شده که حق تعیین سرنوشت در این سرزمین، منحصر به قوم یهود است!

وقتی بیگانه‌ای با زور و بدون رعایت قانون در یک منطقه ساکن می‌شود، تنها در صورتی می‌تواند باقی بماند که قوی‌تر از اعضای بومی و محلی آن منطقه باشد. به همین خاطر، سایه سنگین این موجود بیگانه از همان روزهای اول پیدایش تا کنون، روی خانه‌های کشورهای همسایه هم افتاده است. در طول این سال‌ها، اسرائیل طی جنگ‌های متعدد با همسایگانش، نه تنها مرزهایش را گسترش داده، بلکه با استفاده از سلاح‌های غربی به همسایگانش نشان داده که نباید از او قوی‌تر باشند. به عنوان نمونه: در یکی از روزهای سال ۱۹۶۷، هواپیماهای اسرائیلی به طور ناگهانی بر فراز آسمان مصر و سوریه ظاهر شدند. ارتش‌های عربی هنوز آماده نبودند که صدها جنگنده و تعداد زیادی از پایگاه‌هایشان نابود شد. فقط در شش روز، اسرائیل صحرای سینا، بلندی‌های جولان و بخش شرقی بیت المقدس را گرفت. این جنگ (که به جنگ شش روزه معروف شد)، غرور کشورهای عرب را شکست و خیلی‌ها در منطقه احساس کردند که حالا قدرت اول منطقه، رژیم اسرائیل است.

برای اسرائیل، هر کشور مقتدری در منطقه خطرناک است، زیرا با وجود چنین کشوری ممکن است مردم منطقه روزی بتوانند آن‌چه را که از دست داده‌اند، پس بگیرند. به همین خاطر، این رژیم برای ایجاد ناامنی در منطقه، تنها به جنگ‌های آشکار بسنده نکرده است. تاریخ این رژیم، از عملیات‌های محدود نظامی و اطلاعاتی، ترور و هر اقدام دیگری که می‌تواند پایه‌های قدرت دیگر کشورهای منطقه را درهم بشکند، لبریز است. مأموران مخفی سرویس اطلاعاتی این رژیم، از دهه ۱۹۵۰ تا کنون، از ایران و فلسطین و لبنان گرفته تا فرانسه و دبی و مالت و آمریکا، گاهی در خانه‌ای یا اتاق هتلی نفوذ می‌کردند و مخالفی را می‌ربودند یا ترور می‌کردند، آنها گاهی با کار گذاشتن بمبی یا شلیک گلوله‌ای، دانشمندان هسته‌ای مصری، عراقی و ایرانی را ترور می‌کردند، در سال ۱۹۸۱، جنگنده‌های رژیم نیروگاه اتمی عراق را بمباران کردند، در سال ۲۰۰۷، راکتور هسته‌ای سوریه را نابود کردند، در سال ۱۹۸۵، به مقر سازمان آزادی‌بخش فلسطین در حومه «حمام الشط» در تونس حمله کردند، در سال‌های ۲۰۲۴ و ۲۰۲۵، بخش



زیادی از پایگاه‌ها و زیرساخت‌های نظامی سوریه را از بین بردند و در سال ۲۰۲۵، دفتر حرکت مقاومت اسلامی (حماس) در قطر را با موشک هدف قرار دادند. در چنین اقداماتی برای آنها فرقی نمی‌کرد که مرز کجاست، همه جهان می‌توانست صحنه عملیات باشد.

برای رژیم اسرائیل، برتری و قوی‌تر بودن نه یک انتخاب، بلکه تنها راه زنده ماندن در این منطقه است. به همین خاطر، مشکل اصلی اسرائیل در این منطقه، نه با «ایران اسلامی» یا «عرب‌ها»، بلکه با ایران قوی، مصر قوی یا هر کشور مستقل و قدرتمند دیگر در منطقه است. جنگ، ترور، فشار، تبعیض، اختلاف‌افکنی، ایجاد ناامنی و حتی سخن گفتن از صلح کشورهای منطقه با اسرائیل، ابزارهای این رژیم برای حفظ این برتری و حذف قدرت‌های منطقه‌ای هستند.



دست به کار شوید!



۱- فیلم کوتاه رمزینه را ببینید و تصور کنید شما در چنین منطقه‌ای زندگی می‌کنید. در گروه‌های کوچک گفت‌وگو کنید که چنین وضعیتی چه تأثیری بر زندگی روزانه شما می‌گذارد و چه احساساتی را در شما ایجاد می‌کند.

۲- با مراجعه به گزارش‌های حقوق بشری همانند گزارش فرانچسکا آلبانیزه، در کلاس یا مدرسه خود یک «دادگاه تمرینی» برگزار کنید و نقش‌های مختلف دادگاه (همانند دادستان، قاضی، داور، منشیان، وکیل مدافع دو طرف، شاهدان و ...) را تعیین کنید. هر یک متون، شواهد و مستندات مورد نیاز را آماده و پس از تمرین، در مدرسه یا کلاس دادگاه خود را برگزار کنید.

۳- با توجه به نوع رفتارهای رژیم اسرائیل (چه در داخل سرزمین فلسطین و چه با همسایگانش)، به نظر شما چرا این رژیم تا کنون قانون اساسی رسمی ننوشته است؟

آوردگاه ما و آنها



دوشنبه | ۲۶ خرداد ۱۴۰۴ | روز چهارم

دوشنبه، سران گروه هفت در اجلاس خود، اعلام کردند «اسرائیل حق دفاع از خود را دارد!» بعد از ظهر همان روز، رژیم صهیونیستی در حین پخش زنده خبر، ساختمان صدوسیما را هدف قرار داد. در فاصله‌ای کوتاه، به جلسه شورای عالی امنیت ملی (که با حضور رؤسای سه قوه و مسئولان ارشد کشور تشکیل شده بود) حمله کرد که به لطف خدا، هیچ یک از اعضای شورا آسیب ندیدند. نتایج ادعا کرد اسرائیل، آسمان تهران را تحت کنترل داشته و به «برتری کامل هوایی» رسیده است. او همچنین، در تهدیدی کم سابقه گفت: «هدف قرار دادن رهبر ایران، نه تنها موجب تشدید تنش نمی‌شود، بلکه آن را پایان خواهد داد».

سه شنبه | ۲۷ خرداد ۱۴۰۴ | روز پنجم

سه شنبه، بانک سپه هدف حمله هکرها قرار گرفت. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی هم اعلام کرد که احتمالاً تأسیسات زیرزمینی نطنز در حملات اسرائیل آسیب دیده است. ترامپ خواستار تخلیه کامل تهران شد و اعلام کرد: «ایران باید بدون قید و شرط، تسلیم شود!» ارتش رژیم اشغالگر نیز ویدئوهایی از هدف قرار گرفتن یک پرتابگر موشکی ایران توسط جنگنده‌های اسرائیلی منتشر کرد و مدعی شد ۴۰ درصد پرتابگرهای موشکی ایران را نابود کرده است!

صبح همین روز، از پرتاب موشک‌های ایرانی، نتایج میدانی قابل توجهی به دست آمد. مناطق مختلفی در اسرائیل از جمله چند مرکز اطلاعات نظامی رژیم مورد اصابت قرار گرفت.

با جست و جو و تأمل شروع کنیم...

۱- یک بار دیگر روایت روزهای چهارم و پنجم را بخوانید. در این دوروز، در هر یک از زمینه‌های زیر، چه اتفاقی افتاد که می‌توان آن را بخشی از تهاجم دشمن به حساب آورد:

- فضای سایبر
- دیپلماسی و روابط بین‌الملل
- عملیات نظامی
- رسانه و فضا سازی روانی
- اطلاعات و امنیت

۲- در زمان تهاجم اسرائیل به کشورمان، هنگامی که این خبر را شنیدید که ارتش یا سران رژیم اشغالگر گفته‌اند «تهران را تخلیه کنید»، چه حسی داشتید؟ اطرافیان‌تان چه واکنش یا احساسی نسبت به این نوع خبرها داشتند؟ در کلاس درباره آنها گفت و گو کنید.



جنگ‌های نوین؛ گسترده‌تر، پیچیده‌تر

وقتی کلمه «جنگ» را می‌شنوید، چه تصویری در ذهن شما شکل می‌گیرد؟ سربازان، تانک‌ها، هواپیماها و خط مقدم جبهه؟ این تصویری از جنگ‌های کلاسیک است که در گذشته رخ می‌داد. اما امروزه میدان نبرد و ابزارهای جنگ به کلی دگرگون شده‌اند. البته ماهیت جنگ که همان تلاش برای غلبه بر دشمن است، تغییر نکرده، اما شیوه‌ها، راهبردها و سلاح‌های آن متحول شده‌اند. متأسفانه دنیای جدید، پیشرفت علم و فناوری را نیز وارد عرصه جنگ کرده است. این، یعنی دیگر همیشه دشمن را با لباس نظامی در مقابل خود نمی‌بینیم. گاهی دشمن، یک خبر دروغ در شبکه اجتماعی، یک حمله سایبری به زیرساخت‌های کشور یا یک تحریم اقتصادی فلج‌کننده یا ترکیبی از همه اینهاست. به این نسل نوین از درگیری‌ها، جنگ ترکیبی گفته می‌شود؛ جنگی که در آن، دیگر صدای غرش توپ‌ها شرط پیروزی نیست. در این جنگ، نبرد اصلی بر سر فتح ذهن‌ها و ضربه زدن به ابعاد مختلف زندگی ملت‌ها به هدف در هم شکستن اراده آنهاست. جنگ ترکیبی یعنی به راه انداختن جنگ در مجموعه‌ای از جبهه‌های مختلف نظامی و غیرنظامی با هدف ایجاد بی‌ثباتی و شکاف میان مردم و حکومت و در نهایت، تسلیم کردن کشور هدف با کمترین درگیری نظامی مستقیم.

جبهه‌های هم‌زمان

جنگ‌های ترکیبی به‌طور هم‌زمان در چند جبهه شکل می‌گیرند و هر جبهه هم به تقویت جبهه دیگر کمک می‌کند. بیا ببینیم ابعاد جنگ ترکیبی که کشورمان در جنگ ۱۲ روزه (و حتی در برخی جبهه‌ها، قبل و بعد آن) درگیر آن بود را با هم مرور کنیم:

دستیابی به زمان

حمله
نظامی
مستقیم

رژیم صهیونیستی مناطق مختلفی از کشور را به وسیله جنگنده‌ها و پهپادهاش هدف قرار می‌داد.



خراب کاری،
ترور و
استفاده از
نیروهای
نفوذی



بمب گذاری‌ها، ترورها و خراب کاری‌ها نه تنها باعث آسیب زدن به جان و مال مردم و از دست دادن شخصیت‌های برجسته علمی و نظامی می‌شد، بلکه احساسات مختلفی از قبیل ناامنی و بی اعتمادی به نهادهای امنیتی را نیز در مردم ایجاد می‌کرد. همچنین، کشف و خنثی سازی این خراب کاری‌ها، فشار زیادی به دستگاه‌های امنیتی و انتظامی تحمیل می‌کرد.



تحریم و فشار
اقتصادی

می‌تواند زمینه‌ساز تضعیف اقتصاد و ایجاد نارضایتی عمومی شود.

خراب کاری
سایبری و
هک کردن
سامانه‌ها



باعث اختلال در عملکرد نهادها و سازمان‌های مختلف و همچنین، قطع یا کندی ارائه برخی خدمات بانکی، خدمات اینترنتی و... به عموم شهروندان شد.



فشار
دیپلماتیک

تلاش برای منزوی کردن و محکوم کردن کشور در عرصه بین‌المللی در جریان بود.



تغییر ذهنیت
و شناخت
عموم مردم
(جنگ
شناختی)

اخبار جعلی، شایعات و تصویرسازی‌های نادرست در برخی رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی، به دنبال تغییر ذهنیت و ادراک مردم و مسئولان از واقعیت‌های جبهه جنگ (یا به عبارت بهتر، هر یک از جبهه‌های فوق) و در نتیجه، اثرگذاری روی تصمیم و اراده آنها بودند.

نظر شما مهم است!



۱- از میان جبهه‌های گفته شده، دشمن جنگ در کدام یک را از سال‌ها قبل آغاز کرده بود و هم اکنون نیز ادامه دارد؟ به نظر شما، آیا از این نظر می‌توانیم در نام‌گذاری این جنگ به جنگ «۱۲ روزه» تأمل و تردید کنیم؟

۲- به نظر شما، چرا در جنگ ترکیبی هدف قرار دادن اقتصاد یا زیرساخت‌های سایبری و یا به راه‌انداختن جنگ شناختی، گاهی از حمله نظامی مؤثرتر است؟

کنترل دشمن‌ها، تسلط بر اراده‌ها

در جنگ ترکیبی مفهیمی مانند «آتش‌بس» معنای خود را از دست می‌دهند، چون جنگ در تمام ابعاد زندگی مردم جریان دارد. در عین حال، هدف اصلی در یک جنگ ترکیبی، تسخیر افکار عمومی و ایجاد احساس ناامیدی و بی‌اعتمادی در جامعه است و اینجا، همان عرصه «جنگ شناختی» است. جنگ شناختی، عمیق‌ترین و اصلی‌ترین بخش از یک جنگ ترکیبی است. دشمن در جنگ شناختی، می‌خواهد بر «شناخت» و «ادراک» جامعه هدف خود تأثیر بگذارد تا آنها همان گونه فکر کنند، تصمیم بگیرند و عمل کنند که او می‌خواهد. هدف اصلی در این جنگ، نه فریب دادن نیروی نظامی در میدان نبرد، بلکه تغییر باورها و ذهنیت‌های عموم مردم و مسئولان جامعه است. جالب این است که هر کدام از بخش‌های یک جنگ ترکیبی، در صورت همراه شدن با جنگ شناختی، خیلی مؤثرتر می‌شوند. به عنوان نمونه، یک تحریم اقتصادی زمانی موفق‌تر است که با یک عملیات شناختی همراه شود، مثلاً وقتی مردم تأثیر آن را بسیار بیشتر از واقعیتش احساس کنند و رسانه‌های دشمن، به آنها القا کنند که این تحریم، فلج‌کننده است و هیچ راهی برای بی‌اثر کردن آن وجود ندارد؛ تحریم مؤثرتر خواهد بود. پس بیراه نیست اگر بگوییم «جنگ شناختی» موتور محرک جنگ ترکیبی است.

جمل‌گوش تصاویر، فیلم‌ها و صداها

یک عکس یا فیلم، با استفاده از نرم‌افزار یا هوش مصنوعی، دست‌کاری شده تا نظر ما را نسبت به یک فرد یا واقعه، تغییر دهد.

منتشر کردن خبر جملی نامرئیت و تخریب رسانه‌ها یا خبر

یک خبر دروغ یا مربوط به یک کشور دیگر یا تاریخ دیگر منتشر می‌شود یا خبری که بخشی از آن درست است ولی دست‌کاری شده یا بخشی از آن خلاف با چیزی به آن اضافه شده است.

برای امنیت احساسات نسبت به یک مسئله یا رویداد

خبر، تصویر یا فیلمی منتشر می‌شود که ما یا دیگران آن را می‌شنویم، می‌بینیم، می‌خوانیم و براساس آن نسبت به یک چیز، یک مکان و بی‌اعتماد می‌شویم.



در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی، معمولاً از چهره‌های برای انگ‌گذاری بر ذهنیت‌ها و تغییر آنها استفاده می‌شود؟

برای یک «دفاع شناختی» خوب چه کنیم؟

دفاع در برابر جنگ ترکیبی خصوصاً جنگ شناختی، تنها بر عهده نیروهای نظامی و امنیتی نیست، بلکه یک «دفاع همه جانبه ملی» است که تک تک شهروندان در آن نقش دارند. در طول جنگ تحمیلی ۱۲ روزه و قبل و بعد از آن، ما نه تنها اقدامات زیادی برای دفاع در هر یک از جبهه‌های جنگ ترکیبی انجام دادیم، بلکه حتی در بعضی از آنها، ما هم علیه دشمن اقدام متقابل کردیم.

چون جنگ شناختی، مهم‌ترین بخش از یک جنگ ترکیبی است، دفاع شناختی هم در جنگ ترکیبی اهمیت زیادی پیدا می‌کند. دفاع شناختی، خودش هم از جنس شناخت، اندیشه‌ورزی و تأمل است. یک پیشنهاد خوب برای یک دفاع شناختی مؤثر و ساده، به‌ویژه در فضای مجازی، استفاده از «الگوی ۵م» است:

۱ مشاهده

همه چیز را خوب و با دقت ببین!

آیا عکس، واقعاً مربوط به همین خبر است؟
آیا تاریخش درست است؟
آیا تیتر و متن، هماهنگ هستند؟
آیا شواهد و دلایل، درست و بی نقص هستند؟

۵ مسئولیت

بازنشر این خبر، چه اثری روی دوستانم / مدرسه‌ام / جامعه‌ام دارد؟
آیا می‌توانم مسئولیت آن را به عهده بگیرم؟

۲ مکت

قبل از بازنشر خبر، ۳۰ ثانیه مکت کن!
آیا همه چیز را درباره این خبر بررسی کرده‌ام؟

۳ منبع

چه کسی اولین بار این خبر را نشر داده است؟
آیا رسانه یا فرد قابل اعتمادی است؟
آیا در منابع دیگر هم تأیید شده است؟

۴ محاسبه

پیام پنهان در این خبر چیست؟
فرستنده پیام به دنبال تحریک چه احساسی در خواننده بوده است؟ ترس؟ خشم؟ ضعف؟
احتمالاً چه منفعتی از این حس من می‌برد؟

دست به کار شوید!

۱- با بررسی اخبار و گفت‌وگو با هم‌کلاسی‌ها، نمونه‌هایی از ابعاد جنگ ترکیبی رژیم صهیونیستی و آمریکا علیه کشور و مردم عزیزمان پیدا کنید و آنها را در جدول زیر وارد کنید. می‌توانید بُعد یا محور جدیدی هم به جدول اضافه کنید.

ابعاد جنگ ترکیبی	قبل از جنگ	حین جنگ ۱۲ روزه	بعد از جنگ
اقتصادی			
سایبری			
دیپلماسی و حقوقی			
اطلاعاتی و امنیتی			
اجتماعی			
.....			
.....			

۲- تعدادی از اخبار منتشر شده در شبکه‌های اجتماعی در زمان جنگ ۱۲ روزه را بازبینی نموده و در قالب گروه‌های کلاسی، آنها را با استفاده از الگوی ۵ «م» تحلیل و بررسی کنید.



چهارشنبه | ۲۸ خرداد ۱۴۰۴ | روز ششم
چهارشنبه، نتایج و طغی سخنانی اظهار داشت: «ما خاورمیانه متفاوتی خواهیم داشت. این جنگ، نقطه عطفی در تاریخ منطقه است ... چنان که کوروش بزرگ ما را آزاد کرد، ما نیز روزی ملت ایران را از استبداد نجات خواهیم داد. امروز مردم ایران باید قیام کنند. الان شرایط آن مهیا شده است!»

همان روز، رهبر جمهوری اسلامی ایران در دومین پیام تلویزیونی شان در جنگ، در توصیف ملت ایران فرمودند: «ملت ایران نشان داد که هم متین است، هم شجاع است، هم وقت شناس است ... اینکه به ملت ایران بگویند بیایید تسلیم بشوید، حرف عاقلانه‌ای نیست. افراد باخرد که می‌شناسند ایران راه می‌شناسند ملت ایران راه می‌شناسند تاریخ ایران راه هرگز چنین حرفی را بر زبان جاری نمی‌کنند. تسلیم چه چیزی بشوند؟ ملت ایران تسلیم شدنی نیست.» ملت ایران و تاریخ و فرهنگ آن را نشناخته بودند...

با جست و جو و تأمل شروع کنیم...

به نظر شما، چه چیزی باعث می‌شود در زمان بحران، مردم با دیدگاه‌های مختلف برای رسیدن به یک هدف مشترک متحد شوند؟ وقتی جامعه با خطری بزرگ روبه‌رو می‌شود، کدام نیروی درونی یا کدام ارزش باعث می‌شود که مردم با وجود تفاوت‌ها، همدل و هم صدا باشند؟



چند پیرده از یک حقیقه مردمی

اقتشار و گروه‌های مختلف، از مردم عادی گرفته تا انجمن‌های خیریه، گروه‌های جهادی، چهره‌های ورزشی و هنری و ... به کمک زلزله‌زدگان شتافتند. صف کمک‌های مردمی، ترافیکی چند کیلومتری در جاده‌های منطقه ایجاد کرد.

**پیرده اول:
زمین لرزه
۷/۳ ریشتری
در استان
کرمانشاه،
آبان ۱۳۹۶**



با شدت گرفتن بارش‌های سیل‌آسا در روزهای آغازین سال نو، از گلستان و مازندران گرفته تا فارس، لرستان، ایلام و خوزستان، درگیر سیلاب‌های سنگینی شدند. باز هم این گروه‌های مختلف مردمی بودند که به مناطق سیل‌زده سرازیر شده و خانه‌ها و وسایل زندگی مردم را از زیر گل و لای، بیرون کشیدند و اگر نبودند، معلوم نبود بازگشت زندگی مردم این مناطق به روال عادی، چند ماه به تأخیر می‌افتاد.

**پیرده دوم:
سیل‌های
فروردين
۱۳۹۸**



همه ما تجربه سخت دوران کرونا را به یاد داریم، دورانی که اگر ایثار و از خود گذشتگی کادر درمانی، نهادهای خدماتی و گروه‌های جهادی در خدمت‌رسانی به عموم مردم و حتی انجام امور مربوط به دفن درگذشتگان نبود، معلوم نبود کابوس کرونا تا کی ادامه می‌یافت.

**پیرده سوم:
همه گیری
ویروس
کرونا، از
بهمن ۱۳۹۸**



اتحاد مقدس، مردم ایران، یک اتفاق نادر یا یک حقیقت با سابقه؟

برای کسانی که ایران و ایرانی را می‌شناسند، همدلی و اتحاد ما ایرانیان نه تنها در سه نمونه‌ای که نقل شد، بلکه از گذشته‌های دور تا امروز ادامه داشته است. در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه نیز جلوه‌های اتحاد و همدلی ملی بیش از هر چیز در زندگی روزمره مردم دیده شد. بسیاری از شهروندان به صورت خودجوش، ابتکارهایی به خرج دادند که نقش مهمی در آرام‌سازی شرایط و حفظ روحیه عمومی داشتند. نمونه‌های بی‌شمار این ابتکارها، نه تنها در روزهای جنگ، امید را در دل مردم زنده کرد، بلکه یادآوری آنها پس از آن زمان نیز باعث می‌شود به ایرانی بودن خود افتخار کنیم. به عنوان نمونه: برخی از مردم با باز کردن درهای خانه‌های خود به روی خانواده‌های آسیب‌دیده، پناهگاهی برای آنها فراهم کردند. جوانان با استفاده از شبکه‌های اجتماعی، پویش‌هایی برای اهدای خون راه‌اندازی کردند. کودکان و نوجوانان با نقاشی‌ها و پیام‌های امیدبخش، روحیه عمومی را بالا بردند. دختران و پسران نوجوان و جوان، با هر سلیقه و گرایش فکری و اجتماعی، با تولید و انتشار محتوای دلگرم‌کننده و امیدبخش در رسانه‌های اجتماعی و مقابله با اخبار نادرست، به تقویت روحیه جمعی کمک کردند. گروه‌های مردمی با برگزاری گردهمایی‌ها و مراسم‌های خیابانی، روحیه مقاومت را در شهرها زنده نگه داشتند. هنرمندان با تولید و انتشار آثار هنری و برگزاری اجراهای خیابانی و نمایش‌های فرهنگی در نقاط مختلف شهر، به افزایش روحیه شهروندان کمک کردند. با توجه به سفر تعداد زیادی از هموطنان به شهرهای شمالی کشور، برخی نانوایی‌ها در این مناطق به صورت شبانه‌روزی به پخت نان اقدام می‌کردند. کادر درمانی، نیروهای امدادی و خدمات‌رسان - به رغم وجود خطرات و تهدیدهای جانی - شبانه‌روزی در حال خدمت بودند. شهروندان موارد مشکوک به خراب‌کاری را به نهادهای مربوط گزارش می‌دادند. نهادهای مسئول در تأمین کالاها، اساسی، به صورت شبانه‌روزی و بدون وقفه در میدان بودند تا کاستی در نیازهای ضروری مردم پیش نیاید. مردم با صبوری و متانت، از هجوم به فروشگاه‌ها برای انبار کردن مواد غذایی خودداری کردند و با رعایت نظم در صف‌های پمپ‌بنزین، جلوه‌ای از فرهنگ والای ایرانی را به نمایش گذاشتند. ورزشکاران و دانش‌آموزان شرکت‌کننده در مسابقات بین‌المللی نیز در هنگام پخش سرود ملی کشورمان، با ادای احترام نظامی به پرچم خوش‌رنگ ایران، وفاداری خود به میهن را نشان داده و حس غرور را در هم‌وطنان خود برانگیختند.



حضور رئیس‌جمهور در اجتماع مردم معترض به حمله آمریکا به تأسیسات هسته‌ای



نوآوری و فناوری در خدمت همبستگی ملی

تجربه جنگ دوازده روزه نشان داد که فرهنگ اصیل و غنی ایرانی، هنگامی که با فناوری های جدید مواجه می شود، آنها را در خدمت خود می گیرد و از آنها در جهت تقویت همبستگی ملی استفاده می کند. نمونه هایی از ابتکارهای جالب شرکت های خدمات فناوریانه ایرانی که در طول این جنگ، در خدمت همبستگی و یاریگری ملی قرار گرفتند را ببینید:

یکی از سامانه های اینترنتی که محلی برای آگهی های خرید و فروش است، پروژه ای به نام «کنار هم در بحران» راه اندازی کرد. بر اساس گزارش ها، ده ها هزار آگهی در این سامانه منتشر شد که شامل پیشنهادهایی برای ارائه محل اسکان، حمل و نقل رایگان، کمک های مالی، مشاوره روانی و حتی کلاس های برخی دانش آموزان بود.



یکی از سایت های آموزشی در طول جنگ، تمامی دوره های خود را به صورت رایگان در اختیار دانش آموزان گذاشت. این اقدام، به ادامه آموزش و حفظ آرامش روانی جامعه در شرایط تعطیلی مدارس و دانشگاه ها کمک کرد.



برخی فروشگاه های اینترنتی با ارائه تخفیف های ویژه برای کالاهای ضروری مانند غذا، دارو و لوازم بهداشتی و ارسال رایگان به مناطق آسیب دیده، مسئولیت پذیری اجتماعی خود را نشان دادند.



سامانه های مشاوره پزشکی برخی برخط با فراهم کردن بستر مشاوره رایگان برای افرادی که تحت فشار روانی جنگ بودند، به حفظ سلامت روان جامعه کمک کردند.



چهار شد که این طور، همدل و همراه شدیم؟

در شرایط جنگ معمولاً سطحی از همبستگی گروهی و ملی شکل می‌گیرد. آیا همبستگی ایرانیان در جنگ ۱۲ روزه، فقط یک واکنش طبیعی در برابر تهدید و جنگ بود؟ آیا تمام کشورها در زمان بحران رفتار مشابهی دارند؟ اگر به عوامل همدلی ایرانیان نگاه کنیم، می‌توانیم بگوییم همبستگی این روزهای مردم، فقط به خاطر تهدید جنگ نبود، بلکه در عوامل و ارزش‌های عمیق و دیرین ریشه داشت. ما نیز با نگاه به خود، جامعه و تاریخ این مرز و بوم، به آنها پی می‌بریم. جنگ ۱۲ روزه، فرصتی برای آشکار شدن این ثروت و گنجینه ارزشمند ملت ایران فراهم کرد. بیایید چند مورد از این عوامل و ارزش‌ها را مرور کنیم:

جوانمردی و یاریگری

کمک کردن به هم‌نوع و غم‌خواری و محبت به او، یکی از ارزش‌های اصیل فرهنگ ایرانی است. شعر معروف «بنی آدم اعضای یکدیگرند...» از سعدی و اشعار و متون بی‌شمار هم‌معنا با آن در ادبیات فارسی، همچنین، شکل‌گیری گروه‌ها و جریان‌های اجتماعی همچون اهل قنوت و عیاران در تاریخ ایران، از مهم‌ترین نشانه‌های این فرهنگ ریشه‌دار است. در تاریخ نزدیک‌تر هم، این یاریگری همواره ادامه دارد، مثلاً هرگاه برای استانی مشکلی مثل سیل و زلزله پیش آمده، مردم و جوانان از سایر استان‌ها به یاری آن مردم آسیب‌دیده شتافته‌اند.

ایثار و از خودگذشتگی

از خودگذشتگی و جانبازی برای اهداف والای الهی و انسانی، نمونه‌های متنوعی در فرهنگ ایرانیان و زندگی جاری آنها دارد: از ایثارگری رزمندگان و شهدا در طول تاریخ این سرزمین (خصوصاً در هشت سال دفاع مقدس) گرفته تا از خودگذشتگی والدین برای رشد و پیشرفت فرزندان خود.

ایستادگی در برابر حرف زور

مردم ایران همیشه مخالف ظلم و ستم، تبعیض و اختلاف طبقاتی بوده‌اند، تا آنجا که یکی از دلایل اسلام آوردن گسترده ایرانیان، ظلم و تبعیض شاهان ساسانی و مخالفت آموزه‌های اسلامی با ظلم بود. شکل‌گیری قیام‌ها و جریان‌های مختلف عدالت‌طلبی در طول تاریخ ایران، دیگر شاهد این روحیه ایرانی است. آزادگی در ذات ایرانیان است، همچنان که عزت و استقلال برایشان ارزشی اساسی است.



جلوه‌های یاریگری ایرانیان در دوران جنگ ۱۲ روزه

وحدت و همدلی در یک تیم، هم به اعضای خوب و ماهر احتیاج دارد، و هم به اصول مشترکی که برای همه قابل احترام باشد، و هم به رهبری که مثل یک محور، انرژی همه را هماهنگ کند و اتصال همه را به آن ریشه‌ها و اصول تقویت و حفظ کند و جمع را از تهدیدهای بیرونی محافظت کند.

یک گروه سرود یا ارکستر را در نظر بگیرید: درست است که حضور نوازندگان ماهر و متن و موسیقی واحد برای یک اجرای موفق و هماهنگ ضروری است، ولی علاوه بر آنها، این گروه به رهبری احتیاج دارند که در پیش روی همه بایستد و همه قدرت‌ها و مهارت‌ها را با هم هماهنگ کند. واضح است که بدون چنین فردی، صدایی که از گروه خارج می‌شود، صدای ناسازی خواهد بود که گوش همه را به درد می‌آورد.

رهبر انقلاب اسلامی، سال‌ها قومیت‌های رنگارنگ، گرایش‌های سیاسی متفاوت و حتی سلیقه‌های مذهبی مختلف در ایران را حول این روحیه‌ها و اصول مشترک باهم متحد نگه داشته‌اند. با قومیت‌های مختلف گفت‌وگو کرده و ویژگی‌های هویتی پرافتخار هر یک از اقوام و مناطق کشورمان را پررنگ کرده و پیوند همه را با ایران عزیز تقویت کرده‌اند و در هر موقعیت و لحظه‌ای، با هر عاملی که بخواهد به هویت ملی و انسجام مردم ایران آسیب بزند، مقابله می‌کنند. مردم بزرگ ایران، زمینه‌های لازم برای انسجام و وحدت را دارند. این بود که در طول ۱۲ روز جنگ، آهنگ دلنشین وحدت و همدلی از ایران بلند شد و تعجب و تحسین همه را برانگیخت.

هر کدام از ما نیز باید نقش خودمان را در مراقبت از این وحدت، درست بشناسیم و از این گنج و ثروت خاص ایرانی محافظت کنیم و نگذاریم این همبستگی و عوامل شکل‌دهنده آن تضعیف و تهدید شود.

نظر شما مهم است!

- ۱- آیا شما نیز خاطره یا تجربه‌ای از همدلی مردم در ایام جنگ ۱۲ روزه دارید؟ خاطره یا تجربه خود را در قالبی خلاقانه و ابتکاری در کلاس ارائه دهید و درباره آن با هم کلاسی‌ها گفت‌وگو کنید.
- ۲- به نظر شما همدلی مردم ایران، چه ریشه‌های فرهنگی و اجتماعی دیگری می‌تواند داشته باشد؟
- ۳- تجربه جنگ ۱۲ روزه نشان داد که همکاری میان فناوری و ارزش‌های انسانی مثل نوع دوستی و همدلی، می‌تواند بسیار مؤثر باشد. آیا این الگو در بحران‌های آینده نیز قابل استفاده است؟ چرا؟
- ۴- اگر ایران دوباره در شرایطی مشابه شرایط جنگ ۱۲ روزه قرار بگیرد، چه ایده‌ها و راهکارهای خلاقانه‌ای برای افزایش همبستگی اجتماعی به ذهنتان می‌رسد؟ این سؤال را دو بار پاسخ دهید: یک بار در نقش یک نوجوان و یک بار هم در نقش یک فرد سی ساله با شغل ایده‌آل خود. در آن زمان و با آن شغل، چگونه می‌توانید به ارتقای همبستگی اجتماعی کمک کنید؟

۱۶۷ کودک؛ ۱۲۶ زن؛ در مجموع ۱۰۶۴ نفر؛

اینها تنها تصاویر تعداد کمی از فرزندان ایران زمین هستند که به دستان پلید رژیم صهیونیستی
به شهادت رسیدند...



همیشه با هم می‌مانیم

اگر خوب گوش کنی، هنوز می‌توانی صدای همه‌همه و شادی را در خانهٔ پدربزرگ بشنوی. همین دیروز، آقامصطفی و فهیمه خانم با فرزندانشان برای گفتن تبریک عید غدیر به اینجا آمده بودند. پدربزرگ موقع عیدی دادن به علی، صورت شیرین و کودکانه‌اش را بوسیده بود. او می‌دانست که فاطمه چقدر سخاوتمند و مهربان است، به همین خاطر اجازه داده بود برای دوستانش هم از لای قرآن عیدی بردارد. پدربزرگ با دیدن جمع صمیمی خانواده، لبخند رضایت به لب آورد. حالا، نوبت ریحانه بود که عیدیش را بگیرد. همهٔ خانواده او را به خاطر حجابش تحسین می‌کردند. ریحانه دختری وظیفه‌شناس بود؛ از وقتی که به سن تکلیف رسیده بود، همیشه نمازهایش را سر وقت می‌خواند. او در درس و مدرسه هم سختکوش و توانمند بود. ریحانه شادمان؛ اما نجیب و باحیا کنار پدربزرگ نشسته بود. همان موقع، گوشی آقامصطفی به صدا درآمد. آقامصطفی باید می‌رفت؛ کار مهمی پیش آمده بود. همه او را بدرقه کردند. ریحانه وقتی داشت گوشواره‌هایش را به گوش می‌انداخت، با خودش فکر کرد: «شب که پدر آنها را ببیند، خیلی خوشحال می‌شود.»

آن شب، به خانهٔ پدر و مادر فهیمه خانم رفتند. قرار شد آقامصطفی هم بیاید آنجا تا همگی کنار هم باشند. سابقه نداشت که خانوادهٔ آقامصطفی بدون همدیگر جایی بروند. آقامصطفی تازه از راه رسیده بود که صدای انفجار بلند شد... فردا صبح، عیدی پدربزرگ تنها نشانه‌ای بود که از روی آن پیکر پاک ریحانه شناسایی شد.



شهیده ریحانه سادات ساداتی



شهید سیدعلی ساداتی



شهیده فاطمه سادات ساداتی



شهید دکتر سیدمصطفی ساداتی



شهیده فهیمه مقیمی



پنجشنبه | ۲۹ خرداد ۱۴۰۴ | روز هشتم

پنجشنبه، منابع خبری از اصابت سنگین موشک‌های ایرانی حداقل در ۴ نقطه از سرزمین‌های اشغالی خبر دادند. شهردار حيفا هم روز جمعه گفت: «ایرانی‌ها توانمندی برتر خود را نشان دادند. شهر حيفا زیر حملات دقیق قرار گرفت. اسرائیل برنامه‌ای برای خروج از جنگ ندارد». رئیس‌جمهور کشورمان با انتشار پیامی در روز هشتم گفت: «به لطف خدا و به مدد همدلی و انسجام، از این روزهای سخت عبور خواهیم کرد». در همین روز، آیت‌الله سیستانی مرجع بزرگ جهان تشیع از نجف، طی اطلاعیه‌ای هشدار داد که هرگونه سوء قصد به رهبر ایران، باعث واکنش کل منطقه خواهد شد.

جمعه | ۳۰ خرداد ۱۴۰۴ | روز نهم

نتانیاهو که پیش از این بارها تغییر حکومت در ایران را هدف جنگ معرفی کرده بود، جمعه حرف خود را پس گرفت: «تغییر یا سقوط حکومت ایران، هدف اسرائیل نیست، بلکه مسئله مردم ایران است». در این روزها، قدرت واقعی مردم ایران، به واسطه اتحاد ملت و همدلی مردم منطقه با ایرانیان بیش از پیش آشکار شد.

با جست و جوی و تأمل شروع کنیم...

شما عضو گروه‌های مختلف اجتماعی هستید. عضو یک خانواده یا یک ایل، روستا یا شهر هستید. در گروه دختران یا پسران قرار دارید. ممکن است که در یک گروه زبانی یا قومی عضویت داشته باشید. احتمالاً در محله‌ای زندگی می‌کنید که عضویت در آن هم بخشی از هویت شماست. شاید عضو گروه جوانان هلال احمر، پایگاه بسیج، مسجد محل یا یک تشکّل دانش‌آموزی باشید. شاید در یک گروه ورزشی، هنری یا مهارتی فعال باشید. شما همچنین عضو جامعه مسلمانان، زرتشتیان، مسیحیان یا یهودیان ایران هستید. عضویت در هر یک از این گروه‌ها نقش مهمی در شکل‌گیری هویت اجتماعی شما دارد. بر اساس همین عضویت‌ها، خودتان را معرفی می‌کنید و دیگران نیز شما را با همین ویژگی‌ها می‌شناسند. در کنار همه این‌ها، شما عضو یک مدرسه هستید. حالا احساس و نگرش خود را درباره عضویت در مدرسه خود بیان کنید.

همه ما بخشی از ساعت‌های روز و هفته مان را در مدرسه می‌گذرانیم. با افراد جدید آشنا می‌شویم، قهر و آشتی داریم، به دنیای همدیگر سر می‌زنیم و با هر یک از هم‌کلاسی‌ها، هم‌مدرسه‌ای‌ها و حتی مدیر، معاونان، دبیران و دست‌اندرکاران مدرسه، نسبتی برقرار می‌کنیم. بله، ما به این خاطر که بخشی از روز خود را در مدرسه زندگی می‌کنیم، با همدیگر در ارتباط هستیم و این ارتباط مشترک، یک «ما» شکل می‌دهد. مدرسه در واقع، همین «ما»ی مشترک است. نه ساختمانی یک یا چند طبقه! اگر دلمان برای مدرسه تنگ می‌شود یا از آن ناراضی هستیم، بیشتر از هر چیز، به خاطر نوع ارتباطاتی است که در درون مدرسه برقرار می‌کنیم. مدرسه به این معنا، یک واحد مهم اجتماعی است که به یکی از مهم‌ترین نیازهای بشر پاسخ می‌دهد: نیاز به آموزش و تربیت. مدرسه، اجتماع کوچکی است که از آن تأثیر می‌پذیریم و بر آن تأثیر می‌گذاریم. میزان حیات و پویایی این اجتماع، به تصمیم و عمل تک‌تک ما بستگی دارد. مدرسه، تنها ساختمان و حیاط و در و دیوار نیست، بلکه یک فضای اجتماعی هویت‌بخش است. مدرسه جایی است که هیچ جای دیگری شبیه آن نیست، مدرسه، مدرسه است. مدرسه به این معنا، نقش مهمی در زنده کردن محله و جامعه دارد و این نقش، در موقعیت‌های بحرانی، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. حالا ببینیم مدرسه چگونه می‌تواند از پس این نقش خود بربیاید.



آقای حیدری، مدیر مدرسه ما، در زمان جنگ تحمیلی ۱۲ روزه، در اولین فرصت یعنی همان صبح روز جمعه با اعضای انجمن اولیا و مربیان مدرسه تماس گرفت و از آنها خواست تا هر چه سریع‌تر جلسه انجمن را برگزار کنند. تقریباً همه اعضا همان روز حاضر شدند و جلسه تشکیل شد.

آقای حیدری در جلسه گفت: «همه می‌دانیم که کشور ما درگیر جنگ شده است و معلوم نیست این تهدید تا چه زمانی ادامه خواهد داشت. اما من احساس کردم مسئولیتی بر دوش ما و مدرسه ماست. فکر کردم حداقل باید فعالانه از خودمان و فرزندانمان مراقبت کنیم. به نظرم رسید دور هم جمع شویم و همفکری کنیم ببینیم چه کاری از ما برمی‌آید».

گفت‌وگوها آغاز شد. یکی از اعضای انجمن گفت: «خدا را شکر سال تحصیلی به پایان رسید و بار سنگین اداره مدرسه در این شرایط سخت از دوش ما برداشته شد. به نظرم ضرورتی ندارد خودمان را درگیر تکالیفی فراتر از حوصله و توانمان کنیم».

یکی از والدین پاسخ داد: «اما به نظر من این بحران، یک فرصت تربیتی بسیار خوب است. بهتر بگوییم، خود این بحران را می‌توان به فرصت تبدیل کرد. مگر همیشه دغدغه ما طراحی موقعیت‌های یادگیری طبیعی برای آموزش و تربیت بچه‌ها نبود؟ خب این یک موقعیت یادگیری بکر و واقعی است که هرگز نباید آن را از دست بدهیم. فرصت‌ها زودگذر هستند».

خیلی سریع دستور جلسه مشخص شد: مدرسه در این شرایط چه اقداماتی می‌تواند انجام بدهد؟ معاون آموزشی گفت: «خدا را شکر، مدرسه ما در مقایسه با برخی مدارس، تعامل خیلی خوبی با مردم و اهل محله دارد و همه به مدرسه و فعالیت‌های آن اعتماد دارند. مدرسه ما از سرمایه اجتماعی خوبی برخوردار است. می‌توان از همین سرمایه و ظرفیت بهره گرفت و حتی در این شرایط سخت، بر این اعتماد افزود. باید دید چگونه می‌توان مدرسه را در فعالیت‌های روزمره محله درگیر کرد تا دانش‌آموزان فرصت پیدا کنند در فعالیت‌های اجتماعی و مدنی محله شرکت کنند».

یکی از مادران عضو جلسه گفت: «به نظرم مدرسه می‌تواند در زمان جنگ، محور خدمات و مراقبت‌های اجتماعی محله باشد. باید فرصتی فراهم شود تا بچه‌ها با شرکت در فعالیت‌های اجتماعی از خود و دیگران مراقبت کنند. ما باید مانع گوشه‌گیری بچه‌ها در دوره جنگ شویم، چون این می‌تواند برای بیشتر بچه‌ها



خطرناک باشد. بچه‌ها در چنین شرایطی می‌توانند شبکه ارتباطی و تعاملی محله باشند و اطلاع‌رسانی‌ها و راهنمایی‌های لازم را به اهالی ارائه کنند».

او افزود: «همچنین، بچه‌ها می‌توانند در این مدت، فعالیت‌هایی را برای ایجاد نشاط و شادابی در محله طراحی و اجرا کنند. ما نیز هدایت و مراقبت از آنها و عملکردشان را به عهده می‌گیریم و هماهنگی لازم را با مردم و نهادهای رسمی به عمل می‌آوریم تا بتوانند با خیال آسوده فعالیت کنند».

از فردای آن روز، تشکلهای دانش‌آموزی و گروه‌های ورزشی و هنری مدرسه پای کار آمدند و به مرور، سایر بچه‌ها هم به آنها پیوستند. آنها داده‌نگاره‌هایی از توصیه‌های بهداشتی، امدادی، شناختی و روان‌شناختی تولید و در سطح محله و میان خانواده‌ها توزیع کردند. بچه‌ها روزنامه دیواری محلی تهیه کردند، گزارش‌های خبری محلی ارائه دادند، محتواهای چندرسانه‌ای متنوع خبری، طنز، سرگرمی و اطلاع‌رسانی تولید کردند و در کانال‌های محلی نشر دادند. به صورت گروهی در نماز جماعت مسجد محله شرکت کردند، در سطح محله چندین بار سرود خیابانی خواندند، در بوستان‌های محله نمایش برگزار کردند، روبه‌روی مسجد محله ایستگاه صلواتی برپا کردند و حتی یک جام محلی فوتبال برگزار کردند!

بچه‌های مدرسه ما با این فعالیت‌ها اجازه ندادند جنگ، شور و سرور زندگی را از آنها و دیگران بگیرد. در عمل، مدرسه ما و دانش‌آموزانش در این مدت، روح و جان محله ما شدند. این گونه بود که در زمان جنگ، مدرسه و محله ما هر دو زنده و فعال بودند.

دست به کار شوید!



برای مشاهده برخی منابع قابل استفاده، می‌توانید از دستورالعمل‌ها و توصیه‌های محتوایی درج شده در این رمزینه سریع پاسخ استفاده کنید.

۱- در مدرسه خود به گروه‌های مختلف تقسیم شوید و هر گروه، با انتخاب یکی از محورهای زیر، توصیه‌های کاربردی مربوط به آن محور را از منابع معتبر به دست آورده و آنها را در قالب یک محصول مکتوب یا چندرسانه‌ای جذاب، در مدرسه یا محله نشر دهید:

- ایمنی، امداد و کمک‌های اولیه
- سلامت روان
- سواد رسانه‌ای و شناختی
- تاب‌آوری اجتماعی و روانی
- پدافند سایبری
- سواد امنیتی

۲- با هم‌گروهی‌های خود مکان‌هایی که مردم در شرایط غیرعادی می‌توانند به آنجا مراجعه کنند (بوستان، آتش‌نشانی، درمانگاه، هلال‌احمر و...) را بر روی نقشه محله خود نشان دهید.



شنبه | ۳۱ خرداد ۱۴۰۴ | روز نهم

اسرائیل به نقطه‌ای رسید که دیگر نمی‌توانست به تنهایی از عهده جنگ برآید. رئیس‌جمهور فرانسه که از ابتدای جنگ، آشکارا از رژیم غاصب حمایت کرده بود، از ضرورت ارائه یک پیشنهاد کامل به ایران از طرف سه کشور فرانسه، آلمان و بریتانیا خبر داد. مرشایمر، استاد برجسته علوم سیاسی آمریکایی نیز گفت: «اسرائیل در بد درگیری افتاده است. تهدید ایران به تسلیم شدن بی‌قید و شرط، واقع‌بینانه نیست. ایران تا آخرین نفس ایستادگی خواهد کرد. با نیروی هوایی هیچ‌گاه نتوانسته‌اید کشوری را به زانو دریاورید، مخصوصاً کشوری مثل ایران. به راستی ایران در حال پیروزی است!»

یکشنبه | ۱ تیر ۱۴۰۴ | روز دهم

امروز، روز مهمی در جنگ ۱۲ روزه بود. ترامپ دستور حمله به سه پایگاه کلیدی هسته‌ای کشور (فردو، نطنز و اصفهان) را صادر کرد. این حمله و پیامدهای آن را در روزنگاشت درس بعد، مرور خواهیم کرد. ولی در این روز، یک اتفاق جالب توجه و دلگرم‌کننده هم افتاد: یک خواننده ایرانی، قطعه‌ای به نام «علاج» منتشر کرد و در میانه جنگ، با زبانی ساده و صمیمی، عشق ما به ایران عزیز را زنده کرد:

«مردم! علاج در وطن است

دنیا فقط لب و دهن است»



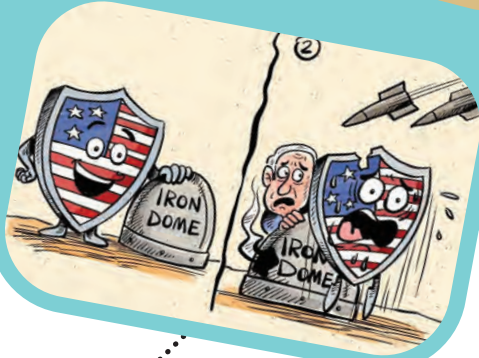


«علاج» و «قول مردونه» را بشنوید.



هنر در هنگامه‌ای که کشور مورد هجوم و حمله تجاوزگران قرار گرفته است، با آفرینش آثاری ماندگار و زیبا، ایستادگی‌ها و دلاوری‌های بزرگ را جاودانه می‌سازد و از خطر فراموشی نجات می‌دهد. هنر با برجسته کردن پیروزی‌های تاریخی و روایت نسل به نسل آنها، نقش بزرگی در بالابردن اعتماد به نفس ملی ایفا می‌کند.

در جنگ دوازده روزه نیز آثار هنری بسیاری به ثبت تاریخی موفقیت‌ها و پیروزی‌های بی‌نظیر موشکی کشور در انهدام اهداف مهم و راهبردی رژیم صهیونیستی و پایگاه نظامی «الغدید» آمریکا پرداختند. گرافیست‌ها و کاریکاتوریست‌ها آثار تأثیرگذاری را در فضای مجازی منتشر کردند و قدرت نظامی ایران را به رخ جهانیان کشیدند. حتی، برخی هنرمندان غیر ایرانی نیز صدای مردم ایران شدند. موسیقی‌دانان ایرانی و غیرایرانی هم آثار ارزنده‌ای را برای ثبت و ماندگاری مقاومت حماسی ملت ایران خلق کردند. ترانه «علاج» با آهنگ‌سازی و صدای آمیخته به خشم محسن چاوشی و شعر غنی و سرشار از مفاهیم آیینی، ملی و ضداستعماری کاظم بهمنی، نجوایی سرشار از دعوت به ایستادگی و همبستگی را طنین‌انداز کرد. «قول مردونه» ترانه پرمخاطب دیگری بود که در بزرگداشت شهدای جنگ دوازده روزه، با صدای رضا صادقی خوانده شد و عواطف و احساسات عمیق و تأثیرگذاری در زمینه دلاوری و نبردی جانانه تا آخرین قطره خون را در جان مخاطبان برانگیخت.



در تعیین طرف پیروز یا شکست خورده جنگ‌ها، قدرت هنر از قدرت قوی‌ترین سلاح‌ها و بمب‌ها افزون‌تر است. غده سرطانی اسرائیل در تاریخ کوتاهش، جنگ‌ها و جنایت‌های بزرگی را مرتکب شده، اما جز با ترور و خاموش کردن صدای هنرمندان، از راه دیگری نتوانسته است با قدرت تأثیرگذار هنر مقابله کند. آنها مشهورترین کاریکاتوریست جهان عرب، ناجی علی را که آثارش رسواگر اشغالگری و جنایت‌پیشگی صهیونیست‌ها بود، در سال ۱۹۸۷ در لندن ترور کردند و به شهادت رساندند.

در جنگ دوازده روزه نیز رژیم صهیونیستی می‌خواست با بمباران سازمان صدا و سیما، روایت هنری و رسانه‌ای مقاومت ملت ایران را خاموش کند؛ اما مقاومت، تعهد و شجاعت اهالی رسانه ملی، تصویر جاودانه‌ای ساخت که موضوع آثار هنری پرشماری شد و دشمن صهیونی را متحمل شکست سختی کرد. هنرمندان بسیاری در ایران و جهان، ایستادگی حماسی گوینده خبر تلویزیون، خانم سحر امامی را موضوع آثار خود قرار دادند؛ شمایل سحر امامی در پوسترها، نقاشی‌ها و تصویرسازی‌ها به نماد مقاومت و شجاعت زنان ایرانی تبدیل شد و تصویری از شکست پیشرفته‌ترین جنگ‌افزارهای نظامی غرب در مقابل اراده پولادین بانویی ایرانی را ارائه کرد.

هنرمند دیگری که آثار و ایده‌هایش، آسایش و آرامش صهیونیست‌ها را به هم ریخته، سید مسعود شجاعی طباطبایی، چهره بین‌المللی کارتون و کاریکاتور ایران است که جوایز داخلی و خارجی بسیاری را در کارنامه دارد. او چهره‌ای نام‌آشنا در جهان است که بزرگ‌ترین رویدادهای بین‌المللی کاریکاتور علیه جنایت‌های آمریکا و رژیم صهیونیستی را برگزار کرده و محبوبیت جهانی بی‌نظیری دارد. بیست و دو کشور حامی جنایات رژیم صهیونیستی او را ممنوع الورد کرده‌اند، اما بسیاری از هنرمندان آزادی‌خواه این کشورها، برخلاف میل سیاست‌مداران‌شان، آثار ظلم‌ستیزانه‌ای را خلقی یا به ایران سفر کرده‌اند و محرومیت‌ها و تهدیدها را به جان خریده‌اند.



هنر شهری در فضاهای عمومی شهری مانند دیوارها، میدان‌ها، بوستان‌ها، نیمکت‌ها، سطل‌ها و همه محیط‌هایی که در معرض دید شهروندان قرار دارد، اجرا می‌شود و تأثیر مهمی در بازتاب هویت فرهنگی شهرها دارد. از جمله مهم‌ترین هنرهای شهری، دیوارنگاری یا «گرافیتی» است که با انتقال صریح احساسات و ایده‌ها، به کالبد مادی شهر زندگی و حیات می‌بخشد.

در تهران و بسیاری دیگر از شهرهای ایران، هنرمندان آثار مختلفی را در همبستگی با مقاومت مردمی، تکریم شهدا و حمایت از مبارزه با رژیم تجاوزگر صهیونی بر دیوارها و مکان‌های عمومی خلق کردند. گرافیتی‌های شهدای جنگ دوازده روزه توسط سید علی میرفتاح، گرافیس‌ت و نقاش ایرانی، بر دیوارهای تهران نقش بست و بسیار دیده شد. نام شهید، مکان و زمان شهادت، عبارت «نام جاوید وطن» و یک قلب قرمز رنگ، امضای میرفتاح پای آثارش است. او خاطرات مردم ایران از نبردی مظلومانه و مقتدرانه را در حافظه خیابان‌های تهران ماندگار کرده است. میرفتاح می‌گوید: «من می‌خواستم جایی باشد که با شهدا مواجهه مستقیم و صریح داشته باشیم... کاری کنم که مردم هم با دیدن تصویر شهید، موقع قدم‌زدن در خیابان، احساس کنند یکی از همشهریان را دیده‌اند.»

دو گرافیتی از «بنکسی» هنرمند معروف دیوارنگاری بر روی «دیوار حائل» در فلسطین



بسیاری از اندیشمندان، مهم‌ترین ویژگی هنر را پرده برداشتن از حقایق می‌دانند که درک و دریافت آنها در شرایط عادی سخت و دشوار است. هشت سال دفاع مقدس ملت ایران مقابل رژیم بعث عراق و نزدیک به پنجاه کشور پشتیبان او، در ظاهر جنگی شبیه سایر جنگ‌های جهان بود؛ اما حقیقت میدان، چیز دیگری بود. شهید سید مرتضی آوینی با کارگردانی و ساختن مستند «روایت فتح»، پرده از روح معنوی و الهی جاری در جبهه‌ها برداشت و نشان داد ایرانی‌ها ایثار و شهادت در راه حفاظت از مرزهای هویتی و جغرافیایی ایران را نه تنها وظیفه ملی و میهنی، بلکه تکلیف شرعی و الهی خود می‌دانند. نشان دادن الهی بودن مقاومت و ایثار ملت ایران در برابر دشمن جنایت‌پیشه، کار ظریفی است

که هنرمندان ایرانی به خوبی از عهده آن برآمده‌اند. استفاده از زبان استعاره و تشبیه کردن نبرد ایران با رژیم صهیونیستی به قیام امام حسین (علیه السلام) علیه یزیدیان، بهره گرفتن از نمادها و نشانه‌های قرآنی و استفاده از تقابل نور و تاریکی برای نشان دادن قوای الهی در برابر قوای شیطانی، از روش‌های رایج این هنرمندان است.

در میان آثار آوایی، ترانه «ایران علی» با صدای محمد معتمدی و شعر محمدمهدی سیار که برای عید غدیر ساخته شده بود و یک روز پس از تجاوز رژیم صهیونیستی منتشر گردید، با روایتی حماسی، ایران را سرزمین مقدس دوست‌داران مردمان، حضرت علی (علیه السلام)، معرفی می‌کند و از ایشان مدد می‌طلبد. محمود کریمی نیز با بازآفرینی قطعه «ای ایران ایران»^۱ در قالب نوحه در مراسم عزاداری ایام محرم، نشان می‌دهد که گرمای ایمان و گرمای وطن‌دوستی، از یک جنس هستند و نگاه خدایی و عاشورایی به ایران، عشق ایرانی‌ها به این سرزمین مقدس را بیشتر و متعالی‌تر کرده است.

در سطح جهانی نیز آثار هنری اثرگذاری برای به تصویر کشیدن تجاوزگری‌های اسرائیل، خلق شده است که قطعه «تلک قضیه» از امیر عید، خواننده مصری، یکی از آنهاست.



«ای ایران ایران»
و «ایران علی» را
بشنوید؛ «تلک قضیه»
را ببینید.

دست به کار شوید!

- ۱- با مشارکت دوستانتان یک موسیقی، سرود یا مداحی حماسی را انتخاب کنید و با استفاده از تصاویر و آثار هنری مرتبط با نبرد دوازده روزه، ویدئو کلیپی جذاب بسازید و آن را در کلاس ارائه دهید.
- ۲- طرحی دو صفحه‌ای برای ساختن یک فیلم سینمایی بنویسید که در آن، دانش‌آموزان ایرانی به رایانه‌های پایگاه هوایی جنگنده‌های رژیم صهیونیستی نفوذ می‌کنند و حوادثی را رقم می‌زنند. طرح‌تان را در کلاس به مشورت دبیر و هم‌کلاسی‌هایتان بگذارید.
- ۳- برای طراحی و برگزاری جشنواره‌ای هنری با موضوع نبرد دوازده روزه میان ایران و رژیم صهیونیستی، با مسئولان مدرسه مشورت کنید و برای برگزاری آن در دهه فجر برنامه‌ریزی و مشارکت نمایید.

۱- این قطعه با صدای محمد نوری، شعری از تورج نگهبان و آهنگسازی محمد سریر، نخستین بار در سال‌های دهه شصت در زمان جنگ تحمیلی هشت ساله منتشر شد.

پیشرفت لیزری!

من مدرک دکترایم را در مسکو گرفته‌ام. رئیس مؤسسه‌ای که در آنجا کار می‌کردم، آقای پروفسور پروخورف، نوبلیست دهه ۶۰ دنیا بود؛ او فرد بسیار معتبری بود و در زمینه لیزر و مغناطیس و پلاسما فعالیت می‌کرد. یک روز، هیئتی ایرانی برای بازدید از آنجا می‌خواست بیاید؛ پروخورف پیغام داد که من و چند ایرانی دیگر هم بیایم و در آن جلسه بنشینیم. من در انتهای سمت روس‌ها نشسته بودم و بیشتر شاهد بودم؛ چون خودشان مترجم آورده بودند. پروخورف احساس کرد که تیم بازدیدکننده ایرانی که مقابلش نشسته بودند، از نظر علمی، خیلی ضعیف‌نبه هستند؛ برای همین هم به معاونش گفت که این‌ها را به مؤسسه ببرند و بگردانند.

این گذشت و سالی که من رئیس دانشگاه شهید بهشتی بودم، یعنی سال ۹۳ یا ۹۴، از طرف معاونت علمی ریاست جمهوری تماس گرفتند که یک هیئت ویژه از روسیه می‌خواهد به ایران بیاید، چهار یا پنج فیزیک‌دان هم همراهشان بود و بازدیدی از پژوهشکده لیزر دانشگاه شهید بهشتی ترتیب داده شد. این‌ها آمدند و بازدیدشان را انجام دادند. وقتی که پایین آمدیم، دیدم که کاملاً میهوت شده‌اند؛ به من گفتند که ما می‌خواهیم در روسیه، از پیشرفت‌های شما در لیزر استفاده کنیم. بعد از بیست سال، ایرانی‌ها توانسته‌اند در تحریریم، عظمت بیافرینند.

خاطره‌ای از شهید دکتر محمد مهدی طهرانچی



شهید محمد مهدی طهرانچی



شهید سید امیر فقیهی



شهید سلیمان سلیمانی



شهید سعید برجی



شهید اکبر مطلبی زاده



شهید علی باکویی کریمی



شهید عبدالحمید مینوچهر



شهید سید مصطفی ساداتی



شهید فریدون عباسی



شهید محمدرضا صدیقی صابر



شهید منصور عسگری



شهید سید اصغر هاشمی تبار

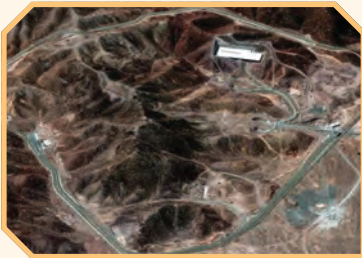


شهید احمد رضا دولatabادی



شهید ایثار علی‌الهی

دانشمندان هسته‌ای کشور که در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه توسط رژیم صهیونیستی به شهادت رسیدند.



یکشنبه ۱ تیر ۱۴۰۴ | روز دهم

در نخستین ساعات بامداد یکشنبه، ترامپ در حمایت از تجاوز رژیم اسرائیل، دستور حمله به سه سایت هسته‌ای کلیدی ایران یعنی فردو، اصفهان و نطنز را با بمباران‌های آمریکایی بی-۲ صادر کرد. حمله‌ای که نقض آشکار حاکمیت ملی ایران و اصول حقوق بین‌الملل بود، حمله از طرف کشوری انجام شد که نه تنها خودش سلاح هسته‌ای دارد، بلکه در تنها بمباران اتمی تاریخ بشریت، نزدیک به ۲۲۰ هزار نفر را به کام مرگ کشانده است در حالی که ایران، زیر شدیدترین نظارت‌های هسته‌ای قرار دارد و به اعتراف آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و نهادهای اطلاعاتی آمریکا، هیچ برنامه‌ای برای ساخت سلاح هسته‌ای ندارد! شاید برای فهم واقعیت دنیایی که در آن زندگی می‌کنیم، همین اتفاق یکشنبه ۱ تیر ۱۴۰۴ کافی باشد...

تناباهو هم بعد این حمله گفت: «امشب، آمریکا از مسیر قدرت وارد شد... ما به شکوه خاورمیانه جدید نزدیک می‌شویم». بله، باز هم «خاورمیانه جدید» و بیگانگانی که می‌خواهند «قدرت» برای مردم بومی این سرزمین نباشد...

با جست وجو و تأمل شروع کنیم...

۱- می‌دانید که نفت و گاز از منابع تجدیدناپذیر انرژی هستند. در صورت تمام شدن این منابع، از چه راه‌های دیگری باید تولید انرژی کرد؟ این راه‌ها را با استفاده از معیارهایی همچون به صرفه بودن، گستردگی ذخایر، آلودگی زیست‌محیطی و حجم انرژی تولید شده با هم مقایسه کنید.

۲- مستند کوتاه «عنصر ۹۲» را مشاهده کنید. آیا هیچ‌یک از مراحل چرخه هسته‌ای در نزدیکی شهر یا روستای شما قرار دارد؟ پس از دیدن این مستند، چه احساسی پیدا کردید؟



مستند عنصر ۹۲





انرژی هسته‌ای چیست و
چطور کار می‌کند؟

در نبرد ۱۲ روزه، دو فناوری برای ما ایرانیان نمود ویژه‌ای داشتند: فناوری هسته‌ای که برخی از مراکز مرتبط با آن، مورد حمله قرار گرفتند؛ و فناوری موشکی که یکی از برگ برنده‌هایی بود که رو کردیم. ویژگی جالب و مهم هر دو فناوری این است که ما در آنها خودکفا هستیم. در این درس، می‌خواهیم ببینیم چه شد که ایران، ایران هسته‌ای و ایران موشکی شد و چرا این فناوری‌ها برایمان مهم هستند؟

چرا فناوری هسته‌ای؟



در این سال‌ها، حتماً خیلی اسم «انرژی هسته‌ای» را شنیده‌اید. درست است که یکی از مهم‌ترین فواید فناوری هسته‌ای، تولید انرژی برق است، ولی این همه داستان نیست. فناوری هسته‌ای برای کشور ما حداقل به سه دلیل، خیلی مهم است:

الف) مسئله انرژی



انرژی همیشه یکی از نیازهای اساسی انسان بوده است. در طول تاریخ معاصر، مردم برای دسترسی به منابعی مثل نفت و گاز با چالش‌های بزرگی روبه‌رو شده‌اند و حتی جنگ‌های زیادی بر سر این منابع رخ داده است. وابستگی بیش از حد به نفت مشکلات زیادی دارد. منابع نفتی، تجدیدپذیر نیستند و بالاخره روزی به پایان خواهند رسید. درآمدهای نفتی هم ناپایدار هستند؛ وابستگی به نفت و فرآورده‌های آن در اقتصاد نیز آسیب‌پذیری اقتصادی کشور را در برابر تحریم‌ها و فشارهای خارجی، بیشتر می‌کند. از سوی دیگر، امروزه با رشد سریع هوش مصنوعی و فناوری‌های نو، مصرف برق در جهان بسیار افزایش یافته و شرکت‌های بزرگ فناوری به سمت انرژی هسته‌ای روی آورده‌اند، زیرا این منبع می‌تواند برق پایدار و کم‌کربن برای مراکز داده فراهم کند.



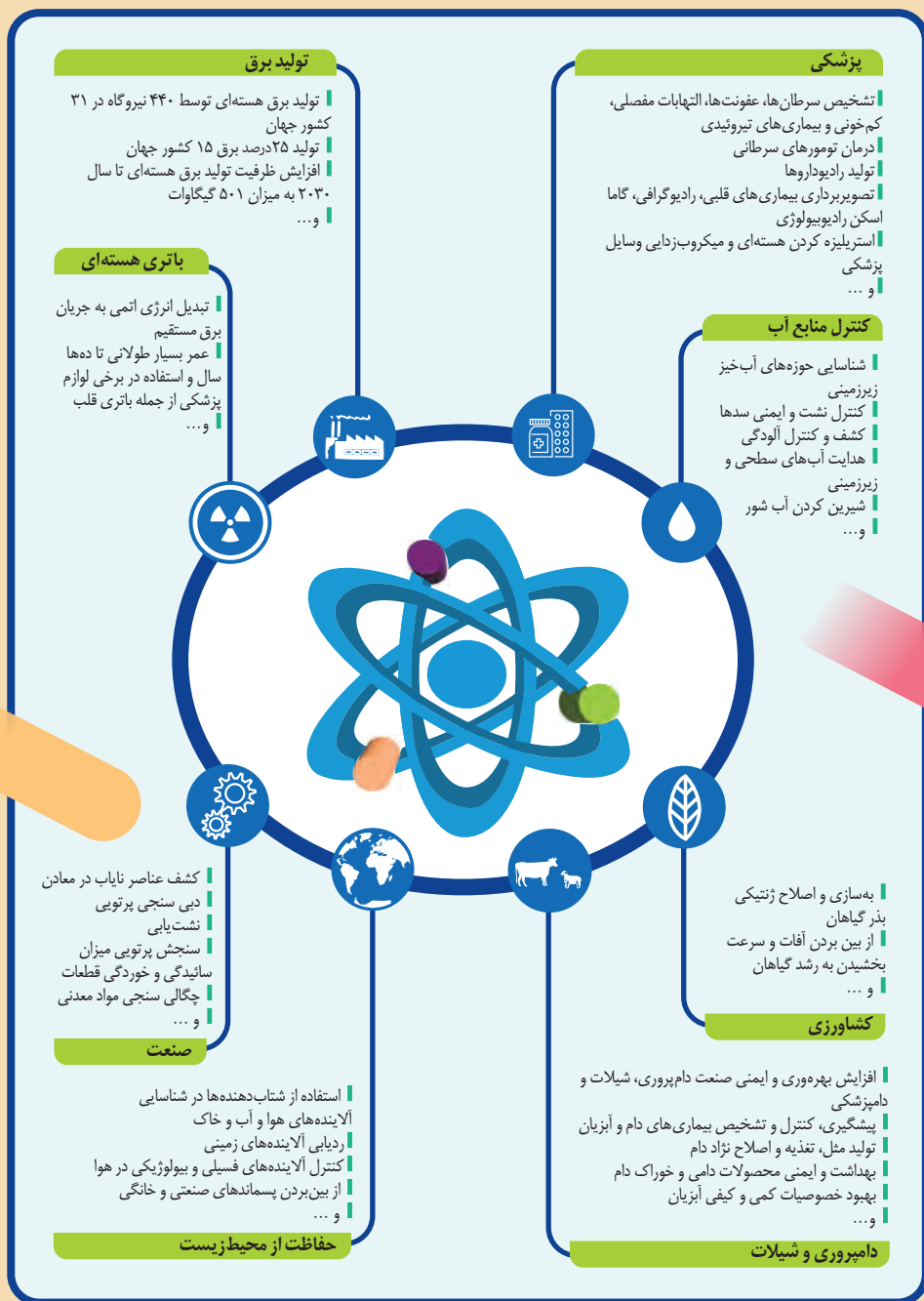
ب) کاربردها و مزایای متنوع غیر انرژی

فناوری هسته‌ای کاربردهای زیادی در زندگی روزمره دارد؛ از جمله در پزشکی، کشاورزی، دامپروری، کنترل منابع آب، صنعت و حتی حفاظت از محیط زیست. به همین خاطر، فناوری هسته‌ای فقط به معنای تولید برق نیست؛ بلکه موتور محرکی برای پیشرفت علمی، صنعتی و اقتصادی یک کشور به شمار می‌آید. گسترش این صنایع و فناوری‌های پیشرفته در کشور، هم به تقویت اقتصاد کشور کمک خواهد کرد و هم سطح آسایش زندگی مردم را بالا می‌برد.



ج) دانش و فناوری بومی، اقتدار ملی

امروزه دانش و فناوری از مهم‌ترین شاخص‌های قدرت هستند. فناوری هسته‌ای یکی از فناوری‌های پیشرفته در جهان امروز است و رسیدن به فناوری‌های پیشرفته، قدرت جهانی و توان چانه‌زنی سیاسی و اقتصادی کشور را بالا می‌برد. کشورهایی مثل آمریکا، فرانسه، روسیه و چین که ظرفیت هسته‌ای بالایی دارند، به قطب‌های اصلی صادرات فناوری و تجهیزات هسته‌ای تبدیل شده‌اند و از این راه، نفوذ سیاسی و اقتصادی زیادی به دست آورده‌اند.



کشور ما در مسیر دستیابی به فناوری هسته‌ای، راه درازی را پشت سر گذاشته است. ایران در سال ۱۳۳۷ به عضویت «آژانس بین‌المللی انرژی اتمی» درآمد. در سال ۱۳۵۳ «سازمان انرژی اتمی ایران» تأسیس شد و قرارداد ساخت نیروگاه بوشهر با شرکت‌های آلمانی بسته شد. اما، در آن زمان صنعت هسته‌ای ایران کاملاً وابسته به خارج بود. تجهیزات و فناوری از کشورهایی مثل آمریکا، آلمان و فرانسه تأمین می‌شد. مدیریت پروژه‌ها در دست متخصصان خارجی بود و دانش فنی به ایران منتقل نمی‌شد. آموزش‌ها و زیرساخت‌ها به خارجی‌ها وابسته بود.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، کشورهای غربی همکاری خود را قطع کردند. نیروگاه بوشهر نیمه‌کاره رها شد. تجهیزات خریداری شده تحویل داده نشد و آموزش متخصصان متوقف گردید. حتی بسیاری از پروژه‌های تحقیقاتی تعطیل شدند. در زمان جنگ تحمیلی هشت ساله (۱۳۵۹ تا ۱۳۶۷) نیز نیروگاه بوشهر چند بار بمباران شد و در سال ۱۳۶۴ آسیب جدی دید. این شرایط، صنعت هسته‌ای ایران را به توقف کامل رساند. شهید محسن فخری‌زاده از مهم‌ترین افرادی بود که در اوایل دهه ۱۳۶۰ با طراحی «نقشه راه هسته‌ای»، توانست بازسازی این صنعت را از صفر آغاز کند. در سال ۱۳۷۵ و با کشف معدن اورانیوم در ساغند یزد، استخراج این سنگ آغاز شد. «تأسیسات تبدیل اورانیوم» (UCF) اصفهان و تأسیسات غنی‌سازی نطنز نیز در نیمه دوم دهه هفتاد در سال ۱۳۷۶ ساخته شدند تا برای تولید گاز هگزافلوراید اورانیوم (UF_۶) مورد استفاده قرار بگیرند. در سال ۱۳۸۹ بود که با طراحی فرایند غنی‌سازی ۲۰٪ توسط دانشمندانمان، کشور ما به خودکفایی در این زمینه دست پیدا کرد.

دشمنان که می‌دانستند پیشرفت ایران در فناوری هسته‌ای به معنای افزایش اقتدار ملی و منطقه‌ای کشور است، تاکنون تلاش‌های زیادی برای جلوگیری از این حرکت علمی بومی کرده‌اند:

❁ **تحریم‌ها:** مانند قطعنامه‌های (۱۷۳۷ و ۱۷۴۷) شورای امنیت سازمان ملل که فعالیت‌های هسته‌ای ایران را محدود کردند.

❁ **خرابکاری‌ها:** مثل ویروس «استاکس‌نت» در سال ۱۳۸۹ یا انفجار خطوط برق در سال ۱۳۹۱.

❁ **ترور دانشمندان:** شهادت دانشمندان هسته‌ای توسط موساد با هدف ایجاد ترس و توقف در برنامه هسته‌ای.

❁ **حمله نظامی:** در جنگ تحمیلی هشت ساله، رژیم بعث عراق نیروگاه بوشهر را بمباران کرد. همچنین، در جنگ ۱۲ روزه نیز اسرائیل و آمریکا سایت‌های هسته‌ای همانند نطنز، فردو و اصفهان را هدف قرار دادند.

دست به کار شوید!

۱- یک مناظره کلاسی ترتیب دهید و در مورد مزایا و معایب غنی‌سازی اورانیوم در داخل کشور و یا وارد کردن اورانیوم غنی‌سازی شده بحث کنید.

۲- درباره زندگی‌نامه و دستاوردهای شهدای هسته‌ای کشور، به‌ویژه آنان که در جنگ ۱۲ روزه به شهادت رسیدند، تحقیق کنید و نتیجه تحقیق خود را در قالب‌های ابتکاری و خلاقانه (الکترونیکی یا فیزیکی) به کلاس و مدرسه ارائه دهید.

۳- فیلم سینمایی «هناس» را ببینید و سعی کنید خود را در جایگاه داریوش تصور کنید. اگر شما جای او بودید، آیا مسیر شغلی خود را تغییر می‌دادید؟ درباره احساسات و دلایل خود در این زمینه، با دوستانتان گفت‌وگو کنید.



درباره فناوری‌های
پیچیده به کار رفته در
موشک، بیشتر بدانید.

چطور شد که به سراغ فناوری موشکی رفتیم؟

زمان‌هایی بود که وقتی باید از کشورمان دفاع می‌کردیم، دستان خالی بود. مثل شهریور ۱۳۵۹ که جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق علیه ایران شروع شد. در آن جنگ، بسیاری از کشورهای دنیا ایران را تحریم نظامی کردند، اما به رژیم بعث عراق هرچقدر خواستند، سلاح فروختند. از طرفی، دانش و فناوری موشکی جزو مهم‌ترین و سری‌ترین فناوری‌های نظامی کشورها بود و استفاده از تجربیات دیگران در این زمینه، کار ساده‌ای نبود. فقط ۲۰ روز از شروع جنگ نگذشته بود که توان نظامی دشمن مشخص شد؛ یک موشک به شهر دزفول اصابت کرد و ۷۰ نفر از مردم ما شهید شدند. طی سه سال بعد، ارتش صدام بیش از ۱۷۰۰ بار به ایران حمله موشکی کرد.

اما اواسط جنگ، شرایط تغییر کرد. گروهی از جوانان مؤمن، انقلابی و مسئولیت‌پذیر ایرانی تصمیم گرفتند برای قدرت ایران و دفاع از ملت، وارد عرصه موشکی شوند. این گروه، مسیر طولانی و سختی را طی کرد تا کشوری که هیچ موشکی نداشت، تبدیل به کشوری نوآور و پیشرو در زمینه موشکی شود. این‌طور بود که در جنگ ۱۲ روزه، در وضعیت شهریور ۱۳۵۹ نبودیم، بلکه موشک‌های بومی، دست ما را پر کرده بودند.



از راست: سردار شهید حسن شفیق‌زاده، سردار شهید حسن طهرانی مقدم، سردار یعقوب زهدی، سردار شهید امیرعلی حاجی‌زاده

دانش ساخت و بهبود هر محصول فناورانه از خود آن محصول مهم‌تر است. محصولات فناورانه نو و پیشرفته ممکن است صادر شوند، اما دانش و فناوری مربوط به آنها به سختی منتقل می‌شود. هر کشوری دوست دارد در زمینه‌های مختلف، به ویژه در امور نظامی، دست برتر را داشته باشد، بنابراین فناوری‌های خاص و مهم را برای خودش حفظ می‌کند. خودکفایی هنگامی اتفاق می‌افتد که دانش تخصصی مورد نیاز برای ساخت و بهبود یک محصول فناورانه خاص، در داخل کشور و توسط دانشمندان همان کشور تولید شده باشد. رمز پیشرفت و اقتدار کشورها، در تولید و گسترش علم و فناوری بومی نهفته است. شاید بشود ارسال یک کالا به یک کشور را تحریم کرد، ولی نمی‌شود کسی که صاحب علم و فناوری است را از آنچه خودش به دست آورده، محروم کرد.

به همین خاطر، پس از پایان جنگ تحمیلی هشت ساله، ایران تصمیم گرفت توانایی‌های موشکی خود را گسترش دهد تا بتواند در برابر تهدیدهای منطقه‌ای و بین‌المللی ایستادگی کرده و قدرت کافی برای دفاع از خود را داشته باشد. در گام اول، گروهی از نخبگان نظامی به رهبری شهید حسن طهرانی مقدم موفق شدند موشک‌های شهاب ۱ و شهاب ۲ را با برد ۳۰۰ و ۵۰۰ کیلومتر بسازند. سپس در دهه ۸۰ شمسی، ایران با ساخت انواع موشک‌هایی با برد بیش از ۱۵۰۰ کیلومتر، به خودکفایی در این زمینه رسید؛ زمینه‌ای که هیچ کشوری حاضر نبود فناوری پیچیده آن را در اختیار ما قرار دهد. این موفقیت، نتیجه تلاش دانشمندان زیادی از رشته‌های مختلف بود.

پیشنهادهای وسوسه‌انگیز



بعد از فروپاشی شوروی، کشورهای تازه استقلال یافته تجهیزات نظامی خود را می‌فروختند. یکی از پیشنهادها، موشک‌های اسکاد بی بود که قیمت هر کدام حدود ۱۰ هزار دلار بود! این قیمت بسیار پایین و وسوسه‌کننده بود، چون قیمت موشک‌هایی که ما در دوران جنگ تحمیلی خریداری کرده بودیم، حدود ۲/۵ میلیون دلار بود. ما در ستاد نظامی ایران همه مشتاق بودیم که این موشک‌ها را بخریم. تصور می‌کردیم این یک فرصت فوق‌العاده برای تقویت توان دفاعی کشور است و تقریباً همه موافق بودند. اما وقتی

پیشنهاد را به مقام معظم رهبری ارائه دادیم، با مخالفت جدی ایشان مواجه شدیم. این مخالفت، در ابتدا برای ما قابل درک نبود و واقعاً همه شوکه شدیم.

با گذشت زمان، دلیل این مخالفت روشن شد. ایران در همان سال‌ها شروع به توسعه موشک‌های بومی کرده بود و اگر آن خرید انجام می‌شد، انگیزه‌ای برای ادامه این مسیر باقی نمی‌ماند. اگر آن روز اجازه داده می‌شد که موشک‌ها را بخریم، شاید امروز ما به توانمندی موشکی فعلی دست پیدا نمی‌کردیم. اما با عبور از این فرصت وسوسه‌انگیز، ایران به جای تکیه بر تجهیزات خارجی، راه سخت و پرافتخار خودکفایی را انتخاب کرد و امروز جزو کشورهای پیشرو در صنایع موشکی جهان شده است.

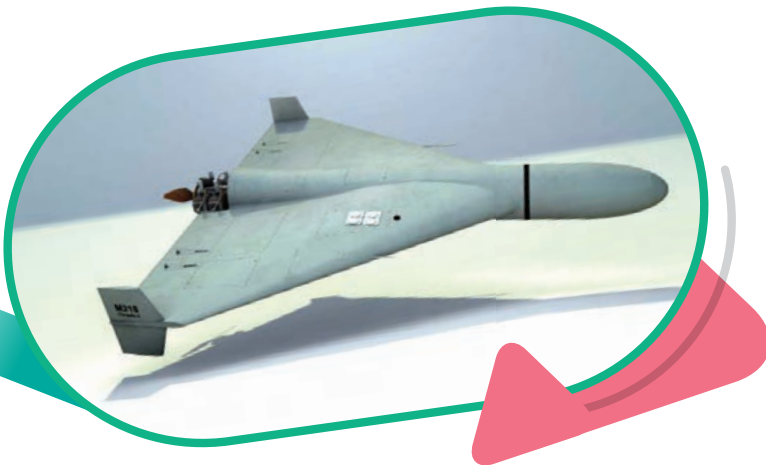
(خاطره‌ای از سردار شهید امیرعلی حاجی‌زاده)

از نشانه‌های بومی بودن یک محصول فناورانه این است که نوآوری‌های آن، متناسب با نیازها و یا ملاحظات فرهنگی کشور صاحب فناوری است. صنعت موشکی ایران هم نوآوری‌های ویژه خودش را دارد. یکی از نوآوری‌های صنعت موشکی ایران این است که به جای تمرکز روی کشتار گسترده یا بُرد بیشتر، روی هدف‌گیری دقیق و نقطه‌زنی تمرکز داشته است تا بتوان اطمینان حاصل کرد که موشک، فقط به هدف مدنظر اصابت کرده و به هیچ بیگناهی، آسیب نمی‌رسد.

دیگر مثال نوآوری در تسلیحات ایرانی، پهپاد تاریخ‌ساز شاهد ۱۳۶ است که غول‌های نظامی جهان نظیر روسیه و آمریکا به دنبال داشتن نمونه‌هایی از آن هستند. از ویژگی‌های نوآورانه این محصول، جمع کردن مجموعه‌ای از فناوری‌ها با قیمت تمام شده بسیار پایین است. آمریکا به تازگی پهپاد لوکاس (افالام ۱۳۶) را مشابه همین پهپاد ایرانی ساخته است، ولی پهپاد آمریکایی نصف پهپاد ایرانی سرعت، نصف پهپاد ایرانی سر جنگی و یک پنجم پهپاد ایرانی برد عملیاتی دارد. این در حالی است که با تمام این موارد، قیمتش گرانتر از مدل ایرانی است. البته این ظاهر قضیه است و باید دید آیا مشابه شاهد ۱۳۶ در درون این پهپاد هم سامانه‌های جنگ الکترونیک، هدایت ماهواره‌ای، اینرسی و زیرسامانه‌های دیگر با کیفیت مطلوب جاسازی شده‌اند؟ آیا بدنه این پهپاد به شکلی هست که بتواند در برابر رادارها و سامانه‌های پدافندی مقاومت کند؟



چه شد که افزایش دقت موشک‌ها در اولویت قرار گرفت؟



نظر شما مهم است!

۱- جنگ ۱۲ روزه، جنگی در لبه فناوری بود. از فناوری‌های موشکی و پهپادی و ریزپرنده و پدافندی گرفته تا فناوری‌های سایبری، اطلاعاتی و هوش مصنوعی. به نظر شما ما در چه فناوری‌هایی با قوت ظاهر شدیم و در کدام فناوری‌ها، ضعف داشتیم؟ برای برطرف کردن نقاط ضعف و حفظ و تقویت نقاط قوت، باید چه کنیم؟

۲- فیلم سینمایی «منصور» یا «خدای جنگ» را ببینید و در کلاس درباره این پرسش گفتگو کنید که چه عواملی، مانع خودکفایی علمی یک کشور می‌شوند؟



تعدادی از فرماندهان نظامی کشور که در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه توسط رژیم صهیونی به شهادت رسیدند.





دوشنبه ۲ تیر ۱۴۰۴ | روز یازدهم

دوشنبه وزیر دارایی رژیم اشغالگر گفت: «ما با بحران وجودی روبه‌رو هستیم. کشورهای خلیج فارس! آلمان! فرانسه! انگلیس! کجایید؟ کمک مالی کنید!». رسانه‌های آمریکایی اعلام کردند که مقامات اسرائیلی از برخی کشورهای عربی و اروپایی خواسته‌اند که به ایران برای پایان جنگ، پیام بدهند.

اندکی پس از غروب دوشنبه، ایران در پاسخ به تجاوز آمریکا به تأسیسات هسته‌ای‌اش، پایگاه نظامی آمریکا در قطر (به نام «العدید») را با ۱۴ موشک هدف قرار داد که ۶ فروند از آنها، با دقت بالا به هدف خوردند.

سه‌شنبه ۳ تیر ۱۴۰۴ | روز دوازدهم

بالاخره در بامداد سه‌شنبه، توقف آتش اعلام شد، البته نه در نتیجه یک «توافق دوجانبه»، بلکه به خاطر درخواست طرف آغازکننده جنگ، شاید این اعتراف استیو بنن، مشاور سابق ترامپ بتواند واقعیت آتش‌بس را بهتر روشن کند: «آتش‌بس برای نجات اسرائیل بود. آنها لقمه‌های بزرگ‌تر از دهانشان برداشتند...».

با جست‌وجو و تأمل شروع کنیم...

مهم‌ترین اتفاقاتی که در دفاع مقدس ۱۲ روزه رخ دادند و شما انتظارش را نداشتید، کدام بودند؟ چرا انتظار رخ دادن این اتفاقات را نداشتید؟ رخ دادن آنها، چه تغییری در نگاه شما به آن مسئله ایجاد کرد؟



خدا با ما است!

باور به نقش آفرینی خدا در زندگی و کمک او، باوری ریشه‌دار در بین ما ایرانی‌هاست که با آن زندگی می‌کنیم. ما حسی صمیمی و واقعی نسبت به دعا کردن و یاری خواستن از خدا داریم و در هنگام سختی‌ها، بیشتر به خدا پناه می‌بریم، با یاد خدا آرام می‌شویم و در انتظار نصرت او و دلگرم به وعده‌هایش هستیم. معمولاً هنگامی درباره نصرت و یاری صحبت می‌شود که یک فرد، همه توان خود را به کار گرفته ولی یاری کننده، کاری را انجام می‌دهد که یا در توان آن فرد نیست، یا با توجه به امکاناتی که دارد، انتظار ندارد به چنان نتیجه‌ای دست پیدا کند. برای مثال، اگر کسی بخواهد بار یک ماشین را به تنهایی خالی کند، زمان زیادی نیاز دارد، ولی اگر چند نفر به یاری او بیایند، کار در زمان بسیار کوتاه‌تری انجام می‌شود. به همین ترتیب، دست نصرت خدا نسبت به بندگان نیز هنگامی دیده می‌شود که اتفاقی رخ داده باشد که بیش از توان و امکانات بندگان بوده و اگر فقط خودشان بودند، انجام چنان کاری از آنها انتظار نمی‌رفت.

طبق آیات قرآن، خدا کسانی را یاری می‌کند که به خدا و نصرت او ایمان داشته و در راه حق، تلاش و مجاهدت می‌کنند. آری، «قطعاً خداوند کسانی که او را یاری کنند، نصرت می‌کند»^۱ و «از کسانی که ایمان آورده‌اند، دفاع می‌کند»^۲. هرچقدر مؤمنان توان خود را به میدان بیاورند، خداوند آن را چند برابر می‌کند: «ای پیامبر! مؤمنان را به جنگ برانگیز که اگر از شما بیست نفر صابر باشند بر دویست نفر چیره می‌شوند و اگر صد نفر باشند بر هزار نفر از کافران چیره می‌شوند»^۳. شدت ایمان مؤمنان رابطه مستقیم با میزان نصرت خداوند دارد. به همین دلیل خداوند در آیه بعد به مؤمنان ضعیف‌تر اشاره کرده و می‌فرماید: «اکنون خدا به شما تخفیف داد و دانست که در شما ضعفی هست؛ بنابراین اگر از شما صد نفر صابر باشند بر دویست نفر چیره می‌شوند، و اگر هزار نفر باشند به فرمان خدا بر دوهزار نفر چیره می‌شوند؛ و خدا با صابران است»^۴.

در این نبرد، هر یک از ما به نوعی کمک و لطف خدا نسبت به مردم ایران را احساس کردیم. بیایید بخشی از نصرت‌های الهی که در این نبرد ۱۲ روزه برایمان آشکار شدند را با هم مرور کنیم.

نصرت تقویت

بیش از چهل سال است که ایران اسلامی از نظر تسلیحاتی تحت شدیدترین تحریم‌هاست. تحریم‌های اقتصادی هم بر توان تولید یا خرید تسلیحات نظامی تأثیر گذاشته است. در جنگ دوازده روزه، کشوری با بودجه نظامی سه برابر ایران و حمایت نظامی و فناوریانه آمریکا و اروپا به ایران حمله کرد و حتی آمریکا نیز به صورت مستقیم وارد درگیری شد. در چنین شرایطی، نه تنها ایران توانست با تکیه بر توان موشکی خود، ضربه‌های اساسی به رژیم اشغالگر وارد کند، بلکه این آمریکا و رژیم صهیونیستی بودند که از ایران، تقاضای آتش‌بس کردند.

نصرت همدلی

بر اساس تحلیل‌های مختلف و سخنان سران رژیم صهیونیستی قبل، حین و بعد از جنگ دوازده روزه، این رژیم روی اختلافات و شورش‌های داخلی در ایران حساب ویژه‌ای باز کرده بود، اما اتحاد و همدلی ایرانیان، محاسبات و پیش‌بینی‌های آنها را به هم ریخت؛ ایرانیانی که سال‌ها تحت شدیدترین تحریم‌های اقتصادی قرار داشته

۱- سورة حج، آیه ۴۰.

۲- سورة حج، آیه ۳۸.

۳- سورة انفال، آیه ۶۵.

۴- سورة انفال، آیه ۶۶.

و با مشکلات معیشتی روبه‌رو بودند، با بازگشت به اصالت فرهنگی خود، اختلافات خود را کنار گذاشته و به اتحادی مقدّس رسیدند. نزدیک کردن دل‌ها به یکدیگر تنها به دست خداوند حاصل می‌شود: «اگر تمام آنچه در زمین است را خرج کنی، نمی‌توانی بین دل‌ها همدلی ایجاد کنی، اما خداوند این کار را انجام می‌دهد».

نصرت رسوایی

امروزه رسانه‌ها به عنوان بازوی ارتش‌ها محسوب می‌شوند و در وارونه جلوه دادن حقایق به نفع خویش، تمام توان خود را به کار می‌گیرند. به همین دلیل، گاهی شناخت حق از باطل چنان دشوار می‌شود که اکثر مردم به تردید می‌افتند، زیرا ظالمان با انواع استدلال‌ها و توجیهات، در پی حق‌نمایی باطل خویش هستند. بر ملا شدن چهره واقعی اهل باطل، نصرتی است که خداوند برای انسان‌ها رقم می‌زند تا باطل رسوا گردد. رژیم صهیونیستی در طی سال‌ها، خود را دارای ارتشی اخلاق‌مدار معرفی می‌کرد، ولی کودکان، سربازان خداوند شدند و خون به ناحق ریخته شده آنها، پرده‌های رسانه‌ای را کنار زد. شهادت بیش از ۱۶ هزار کودک در غزه از مهرماه ۱۴۰۲ تا کنون و نزدیک به ۵۰ کودک در جنگ ۱۲ روزه، چهره واقعی ظلم را آشکار کرده و واکنش‌های گسترده ملی و جهانی در پی داشت. حالا بیایید با تفصیل بیشتر به این پرسش بپردازیم که روایت ما از دفاع ۱۲ روزه از ایرانمان چیست و چگونه می‌توانیم آنچه در این روزها گذشت را تحلیل و ارزیابی کنیم؟

۱- سورة انفال، آیه ۶۳





جهت اطلاع

بر اساس نظرسنجی روزنامه اسرائیلی معاریو پس از پایان جنگ تحمیلی ۱۲ روزه از ساکنان رژیم صهیونیستی، تنها ۳۰ درصد از شرکت کنندگان اعلام کردند که معتقدند اسرائیل، پیروز این درگیری بود؛ نیمی از آنها بر این باور بودند که اسرائیل به پیروزی نرسید؛ ۱۶ درصد تأکید کردند که نتایج این جنگ برای اسرائیل، فقط تعدادی دستاورد سطحی بود و ۵ درصد هم گفتند که هیچ نظری ندارند.

چگونه دفاع کردیم؟

همان گونه که در درس سوم دیدیم، جنگ های امروزی صرفاً نظامی نیستند، بلکه ترکیبی و به ویژه، ادراکی و شناختی هستند. به همین خاطر، نبردهای دوره جدید بیشتر به جنگ روایت ها تبدیل شده اند، یعنی هر دو طرف تلاش می کنند خود را پیروز نشان دهند. بنابراین، نبرد اصلی نه در میدان نظامی، بلکه در عرصه ذهن ها، معانی و روایت ها جریان دارد. به همین خاطر، معمولاً ادراک عمومی مردم از نتیجه جنگ ها هم اهمیت پیدا می کنند. پس در این شرایط، خیلی مهم است که بتوانیم آگاهانه، مستند و منطقی، بدون اینکه همه چیز را ساده سازی کنیم، وضعیت خود در جنگ را به صورت تفصیلی، تحلیل و بررسی کنیم.

معیارهایی برای تحلیل و بررسی

معمولاً وقتی می خواهند موفقیت ها و شکست های دو طرف درگیر در یک جنگ را تحلیل کنند، با استفاده از ملاک ها و معیارهایی مشخص، به جمع آوری و بررسی شواهد و دلایل می پردازند. بعضی از معیارهایی که می توانند مورد استفاده باشند، اینها هستند:

هدف چه بود؟ اگر هر یک از دو طرف، به اهدافی که دنبال می کرد، رسیده باشد، یعنی نتایج جنگ با اهدافی که اعلام کرده بود یکی بوده یا نزدیک به آنها باشد، می توان گفت او طرف پیروز نبرد است. اما اگر میان اهداف او و نتایج حاصل از جنگ، شکاف وجود داشته باشد، او مغلوب و شکست خورده به حساب می آید.

نتیجه نهایی چه شد؟ نوع توافق یا تصمیمی که بر اساس آن، به درگیری پایان داده می شود، یک معیار خیلی مهم برای قضاوت است. توافق پایان جنگ، در چه شرایطی و توسط کدام طرف پیشنهاد شده است؟ شروط کدام طرف در آن تأمین شده است؟

چه پیامدهایی داشت؟ سطح و نوع تخریب و تلفات در کدام طرف بیشتر بود؟ جنگ، چه پیامدهای اجتماعی مثبت یا منفی (همانند نارضایتی عمومی یا تقویت میهن دوستی) و یا سیاسی - بین المللی (همانند تقویت یا تضعیف جایگاه کشور در جامعه بین الملل) و یا اقتصادی (در کوتاه مدت و بلندمدت) داشت؟

طراحی و مدیریت جنگ چگونه بود؟ رهبری و مدیریت امور داخلی کشور در دوره جنگ چگونه انجام شد؟ نیروهای نظامی و دفاعی (در سطح فرماندهی و در سطح عملیات) چه عملکردی داشتند؟ آیا تسلیحات و فناوری های استفاده شده، مناسب با نیاز و به اندازه کافی تأمین شدند؟ ملاحظات اخلاقی و انسانی چقدر رعایت شد؟ به نظر شما، برای ارزیابی پیروزی ها و شکست های دو طرف در جنگی که گذشت، از چه معیارهای دیگری می توانیم استفاده کنیم؟ آیا همه این معیارها، از اهمیت برابری برخوردارند؟ آیا می توانیم با استفاده از آنچه در بخش نخست درس درباره «نصرت الهی» گذشت، این بحث را تکمیل کنیم؟



❖ وقتی تاریخ، به تحلیل کمک می‌کند

برای تحلیل جنگ اخیر با استفاده از معیارهایی که گذشت، می‌توانیم سری هم به دیگر جنگ‌ها یا موقعیت‌های مشابه تاریخی بزنیم و با بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های عملکرد خود در این دفاع ۱۲ روزه با آنها، ببینیم آیا در شرایط مشابه، نسبت به گذشته تاریخی خود یا دیگر نمونه‌های تاریخی، موقعیت بهتری پیدا کرده‌ایم یا خیر؟ به عنوان نمونه، در دوره صفویه در نبرد چالدران، هر چند سربازان ایرانی با شجاعت و از خودگذشتگی، جانفشانی‌ها کردند، ولی به دلایلی که یکی از مهم‌ترین آنها، نداشتن سلاح‌هایی همچون توپخانه و تفنگ بود، نتوانستند از آن همه دلاوری و فداکاری بهره ببرند و بخش‌هایی از سرزمین ایران را از دست دادیم. در نمونه‌ای دیگر، می‌توانیم به ایران سال ۱۳۲۰ نگاهی بیندازیم: با آغاز جنگ جهانی دوم و ورود متفقین به ایران در شهریور ۱۳۲۰، رضا شاه پهلوی هم بدون هیچ مقاومتی در برابر متجاوزان، تسلیم خواسته آنها شده و استعفا کرد؛ ارتش شاهنشاهی هم بدون مقاومت مؤثر در برابر ارتش متفقین، ظرف سه روز از هم فروپاشید.

همچنین، می‌توانیم این تجاوز را با دیگر جنگ‌های تاریخ معاصر در منطقه، به‌ویژه جنگ‌هایی که رژیم اسرائیل در حدود ۸۰ سال گذشته در منطقه به راه انداخته، مقایسه کنیم. به عنوان نمونه، همانطور که در درس دوم گذشت، رژیم اسرائیل در جنگ شش روزه در سال ۱۹۶۷، با حمله‌ای سریع و غافلگیرانه - همانند آنچه در جنگ ۱۲ روزه اتفاق افتاد - در عرض چند ساعت صدها جنگنده نیروی هوایی ارتش‌های عربی را نابود کرد. در نتیجه در روز ششم جنگ، به پیشنهاد این کشورها، قرارداد آتش‌بسی به امضا رسید که طبق آن، مناطق گسترده‌ای از فلسطین، سوریه و مصر، به اشغال رژیم صهیونیستی درآمد؛ اما در دفاع ۱۲ روزه ما ...

نظر شما مهم است!

۱- به چند گروه تقسیم شوید و هر گروه با استفاده از یک معیار، به تحلیل و ارزیابی دفاع ۱۲ روزه بپردازید. سپس، نتایج تحلیل هر گروه را به همراه شواهد و دلایل آنها در کلاس ارائه نموده و درباره آنها گفتگو کنید.

۲- هر کدام از درس‌های این کتاب، با روایتی کوتاه از یک یا دو روز از این ۱۲ روز تجاوز دشمن و دفاع ما آغاز شده‌اند. ما به دلیل محدودیت متن، نمی‌توانستیم همه رویدادها و حوادث این روزها را بیاوریم. شما برای تکمیل آنچه آمده، چه موارد دیگری می‌توانید بیفزایید؟ چه اتفاق ویژه‌ای در این ۱۲ روز، برای شما خیلی مهم و به یاد ماندنی بود؟ روایت خود از این دفاع ۱۲ روزه را تنظیم نموده و درس‌ها و عبرت‌های قابل استفاده از آن برای آیندگان را به نگارش درآورید.

در همان بامداد روز اول حمله رژیم اسرائیل، نوع حمالت و مناطقی که مورد هدف قرار گرفتند و شخصیت‌هایی که شهید شدند، خیلی‌ها -از مردم عادی تا نظامی‌ها- را حساسی غافلگیر کرد.

نقش آفرینی درست، شجاعانه و به موقع یک نفر، یعنی فرمانده کل قوا در میدان بود که به همه کمک کرد تا خودشان را بازیابی کنند: یکی دو ساعت از طلوع آفتاب نگذشته بود که پیام داد و گفت متجاوزان، منتظر مجازاتی سخت به دست قدرتمند نیروهای مسلح باشند. ظهر همان روز، جانشین‌های سه فرمانده ارشد شهید را مشخص کرد تا بی‌درنگ، وظایفشان را پیگیری کنند و هیچ توقفی در کارها پیش نیاید. شبش هم با یک پیام تلویزیونی، به ملت اطمینان خاطر داد که نیروهای مسلح با پشت‌گرمی مردم، در برابر تروریست‌های صهیونیست با قدرت عمل می‌کنند و هیچ کوتاهی نخواهند کرد.

در طول جنگ، با وجود همه خطرات و تهدیدها، خودش در اتاق جنگ حضور داشت و به صورت حضوری، فرماندهان را توجیه می‌کرد. با پیام‌هایش در طول جنگ و بعد از آن، وضعیت جبهه خودی و دشمن را تشریح و تحلیل کرد، نقش و وظیفه هر کس را مشخص نمود و ایمان الهی، روحیه حماسه و امید به آینده را در دل مردم زنده کرد. این‌طور بود که توانست بخش‌های مختلف کشور را روی یک نقطه، متمرکز کند: ایستادگی و دفاع در برابر دشمن متجاوز.

